

روحیه عالی انقلابی توده مردم - امیدبخش پیروزی مسلم بر امریکا

در جنگ با دشمن تجاوزگری که به پشتیبانی ایالات متحده امریکا و در اجرای بخشی از توطئه های شیطان بزرگ به ایران انقلابی حمله کرده است، عامل قاطع توده های مردم اند. ما مطمئنیم که در این راه ما از پشتیبانی و مساعدت جهانیان برخورداریم و پیروزی مسلم بر امریکا در راه شکست خواهد شد زیرا...



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۴۲
شنبه ۲۵ مهر ۱۳۵۹، بهار ۱۵، دیال

نگاه کنید. المینان بخود و اینان به پیروزی انقلاب در همه جاوجه مشخصه جو حاکم است. دسته دسته مردم برای نام نویسی در پیچ گرد می آیند و آمادگی خود را برای شرکت در نبرد و آموختن فنون جنگ اعلام می دارند. در باره صفهای بزرگ و اغذیه زیاد صحبت میشود ولی درباره آنچه که بر اساسی تر است کشت سخی گفته شده و آن صفهای است که برای نام نویسی در پیچ و با اسلحه بمقابله دشمن رخن، تشکیل شده است. در شهرهای خوزستان اینبه شور و آمادگی به بسیاری از دیدگان اشک شوق آورده است. به همه نقاط کشور نگاه کنید. در همه جا خشم خروشان علیه تجاوزگری که منجر به تخته تخته در صحنه A

که مردم در ذرف ترین منوره و در گسترده ترین منای اینس وازه - یا روحیه عالی انقلابی بدفاع برخاسته اند، تا عملا ثابت کنند که در برابر اتحاد و همیاری آنها، امریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند. بشرها و نواحی زیر آتش توپخانه خصم نگاه کنید. آتری از هراس و وحشتی که دشمن در سدد بود با انفجارها و ویرانیها بوجود آورد، دیده نمیشود. برعکس، مردم با شور و هیجان بانظم و آراستن، به آمادگی زمی مشغولند، در سنگرها مترسندند و چون مشت محکم در برابر این آلت دست امریکه قد براراشته اند. به شرها و نواحی دیگر و از جمله شهرهایی که هدف بمباران های بیستی های عراق قرار گرفته اند،

رویدادهای چند روزی که از آغاز تجاوز نظامی بشی های عراق بدستور امریالیسم امریکه بر مین ما گذشته، نشان میدهد

نورالدین کیانوری: فشار دشواری ها بر انقلاب میهن ما هر روز سنگینتر میشود

تشکیل جبهه متحد از همه نیروهای راستین وفادار به انقلاب یگانه راه رستگاری است

این مقاله در تاریخ ۲۵ شهریور ماه سال ۱۳۵۹ برای شماره ۶ مجله «دنیای نگاه» شده است. از آنجا که چاپ مجله مدتی به طول خواهد انجامید، نظر به اهمیت پیش بینی ها و ارزیابی هایی که در این مقاله انجام گرفته است، درج سریعتر آن را در نامه «مردم» ضرور دانستیم.

مردم ایران اقدام خصمانه، تجاوز کارانه و غیر قانونی رژیم بعثی عراق را در لغویک جنبه قرارداد مرزی بشدت محکوم میکنند

مرداد ۵۹. مقامات عراقی بطور یکنواختی مدعی اداره ابروند رود شده اند طبق تصمیم یکنواختی رژیم بعثی عراق کشتی هایی که از خلیج فارس وارد این رودخانه مرزی میشوند از صوب نامرکز تخلیه بارگیری و حرکت بالمکن، باید با هر چه عراق حرکت کند امر حمایت کشتی های یزد در ابروند رود یا راهنایان عراقی خواهد بود. مواردی بتندی رودخانه ای نیز بایستی به مقامات عراقی پرداخت شود و نظایر این اقدامات غیر قانونی.

رژیم تجاوزکار بعثی عراق قرارداد معروف به قرارداد الجزایر را بطور یکنواختی ملغی اعلام کرده است. این قرارداد در ماه مارس ۱۹۷۵ (۱۳۵۳) بین دولتین ایران و عراق منعقد شد و در آن بهر موردی استواری حقوق دو کشور همسایه، ایران و عراق، از ابروند رود (شط العرب) انعکاس دارد. یا لنو غیر قانونی و یکنواختی قرارداد ۱۹۷۵، رژیم بعثی عراق به دستور ابلاغ دستورالعمل جدیدی در مورد ابروند رود میاشرت چست است. طبق این دستورالعمل غیر قانونی، از صفر روز شنبه ۲۹

باید افکار عمومی جهان را بر ضد رژیم مزدور بعثی عراق تجهیز کرد

لیس، الجزایر، جمهوری دیمکراتیک خلق ین و سازمان آزادیبخش فلسطین، که خوشبختانه در دوران اخیر گسترش یافته، و اعلام آمادگی این کشورها برای توسعه هر چه بیشتر این روابط و همکاریها، در شرایط جنگ تجاوزی رژیم بعثی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. دولت جمهوری اسلامی ایران با تکیه به جبهه پایداری میتواند مواضع سیاسی خود در منطقه را استحکام بخشد و رژیم تجاوز بعثی عراق را در میان کشورهای مستقل ملی منطقه متفرد و محکوم بشکست سازد. جمهوری اسلامی ایران، که به برکت پیروزی انقلاب بشکوهند

تحصیلی و تبهکارانه رژیم بعثی عراق عملا در سمت نقشه های نظامی استراتژیکی امریالیسم امریکا علیه تمامی کشورهای مستقل ملی و خلقهای منطقه است، که هدف آن برقراری مجدد سلطه امریالیسم امریکا بر سر گرفتن مواضع سیاسی و اقتصادی و نظامی از دست رفته آن در این منطقه است. منافع کشورهای عضو جبهه پایداری و سازمان آزادیبخش فلسطین با منافع انقلابی و جمهوری اسلامی ایران در یکبار علیه امریالیسم امریکا و مقاومت در برابر توطئه های سیاسی و نظامی آن مطابقت کامل دارد. روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای عضو جبهه پایداری، یعنی سوریه،

بشهادت جنگ با تجاوزگران بعثی عراق شهید

از برای من شهید آن دلاوری است کو برای مقصدی بزرگ جان فدا کند گر برادری و یا که خواهری است: در ره و بان در سبیل رزم عدل و حق از برای خلق. وانکه را که به سر شیمی، بسود مضرده امید نیست در قتل شد، شهید نیست. ای به مرزهای انقلاب خسته از گلوله عدو کشته در نیایش شباب یا غرور و سرکشی جملگی شهید مردمید: پاسدار! ارتشی!

احسان طبری
۱۳۵۹/۷/۳

بدینسان رژیم تجاوزگری بعثی عراق در خرابکاریها و تحرکات خصمانه علیه جمهوری اسلامی ایران، با اقدامی شدیدتحرکیک آسیر دست زده است. رژیم بعثی عراق یا لنو قرارداد ۱۹۷۵، رسا به یک عمل تجاوزی تصرف خاک و آبهای ساحلی متعلقه به ایران میادرت و رژیم بعثی عراق نیست که متعاقب این دستورالعمل، رژیم بعثی عراق نقشه خطرناک تجاوز وسیع نظامی خود را از راه هوا و دریا و خشکی به ایران به اجرا در آورد و بسود دول امریالیستی و در رأس آنها امریکای تجاوزکار، جنگ تل خواسته اند که به کشور ما ایران تحصیل کرد، که هم اکنون ادامه دارد.

تا آروز میمانند، چاره ای ندارند جز آنکه دست احتیاج بصری ما، دراز کنند ما آنوقت وارد ایران میشوند همانطور که در زمان شاه ملوم وارد ایران شده بودیم. باین تحلیل بمسزاع صدام حسین احق، جاه طلب، مغرور بدبخت رفتند. جنایتکاران فراری چند ماه است روی او و رژیم یوسیده او کار می کنند. او را وادار کردند و او با این کار فکر و با این نیت که خواهد توانست بمقابله کند، چیزی هم به او در این میان خواهد رسید، ثروت مردم عراق را بصورت میگها و نانکا فرستاد به داخل مرزهای ایران.

حجت الاسلام خامنه ای: آنها (تجاوزگران بعثی) در راه امریکامی جنگند، در راه اسرائیل می جنگند... همه ملت آماده است، منتظریم امام اشاره بکنند، همه خواهیم رفت، همه خواهیم جنگید

بهازنو در آورند، حتی حمله نظامی هم کردند یا خود فکر کردند. ایران را به جنگ تحمیلی و ناخرسته می کشیدند. عراق را تحریک می کردند که با ایران جنگ را شروع کند و با اینکار چند فایده می برید: اولاً نیروهای نظامی ایران را تحلیل خواهیم برد، ابزار جنگی آنها را مستهلک خواهیم کرد، ثانیاً مراکز حیاتی و تولیدی و اقتصادی آنها را منهدم خواهیم کرد، پلایشگاهها را منهدم می کنیم، نفترا از آنها می گیریم، سوخت را می گیریم، راه آهن را و ارتباطات را می گیریم، مخابرات را می گیریم، زنده ترین عناصر رژیم قهرمان را می گیریم. وقتی میان مردم، فانونه برقی نبوده، رادیو تلویزیون نبوده، کشاورزی نبوده، آنوقت امور جمهوری اسلامی را متلاشی می کنند و ما جور دیگری، امریکا و مزدورانش بعد از اینکه در طول ۱۹ ماه هر چه کردند نتوانستند جمهوری اسلامی را

حجت الاسلام خامنه ای، امام جمعه تهران، در خطبه های نماز جمعه دیروز، به مسئله تجاوز نیروهای بعثی عراق به خاک کشور، پرداخت و در رابطه با آمادگی باش کامل مردم برای سرکوبی این تجاوزگران مطالبی را بیان کرد. حجت الاسلام خامنه ای در باره هدف تجاوزگران بعثی عراق گفت: «آنها در راه امریکای می جنگند، در راه اسرائیل می جنگند، در راه هواها و هوسها و فرورهای خود می جنگند...» وی افزود: «ای ملت قهرمان و رزمنده ایران، ای بهما دارندگان نماز، این صحنه جنگ از نظر ما و از نظر دشمن ما دو تحلیل متفاوت دارد. این جنگ را امریکامزدورانش یکنجور تحلیل می کنند و ما جور دیگری، امریکا و مزدورانش بعد از اینکه در طول ۱۹ ماه هر چه کردند نتوانستند جمهوری اسلامی را

دولت جمهوری اسلامی ایران بدینستی اقدام رژیم بعثی عراق لنو قرارداد ۱۹۷۵ یک عمل تجاوزی و تجاوزی آشکار تلقی کرده و علیه آن شدیداً اعتراض نموده است. همه مردم ایران، منجمله حزب توده ایران اقدام دولت جمهوری اسلامی ایران را در این زمینه تأیید و اقدام خصمانه، تجاوزی و غیر قانونی رژیم بعثی عراق را بشدت محکوم میکنند. مردم ایران یکسدا میگویند: دست تجاوز رژیم بعثی عراق باید کوتاه گردد و اقدامات خصمانه تجاوزی به حق حاکمیت ملی

ما کسی نبودیم که به خاک عراق و هر خاک دیگری وارد بشویم و حمله را شروع کنیم. لذا ما حمله را شروع نکردیم. اما دشمن که شروع کرد، ما ضربه شتم را اولبه این دشمن

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

«سازش دو ابر قدرت» - تبلیغ در خط برژینسکی

روزنامه «میزان» در شماره ۲۲ شهریور ۵۹، در مقاله‌ای زیر عنوان «دو حاشیه کودکی نظامی ترکیه» نوشته است:

دو اشغال نظامی افغانستان توسط ارتش سرخ، چراغ سبز برای اقدامات مشابه به غرب داده شد. بسیاری از نظرات سیاسی ستیزه‌خیز نظامی آمریکا در ایران بودند، که این عمل نیز انجام گرفت و جالب آنکه روسها، با اینکه قبلاً از مأموریت نظامیان آمریکا در طبع اطلاع داشتند، تنها زمانی به آمریکا اعتراض کردند، که این عملیات با شکست مواجه شده.

سخن «میزان» پشیمانانه فقط سخنی است. ولی در واقع دفاع از آمریکا با مودیگری است. «میزان» جرات آنرا ندارد که ملنا از آمریکا، از کودتای امریکائی در ترکیه، از تهاجم نظامی آمریکا به ایران دفاع کند. «میزان» دشمن آمریکا را - بخیر خود میزند، تا آمریکا را نجات دهد. میخواد ختم مردم را متوجه نیرومندترین دشمن آمریکا کند و بدینسان آمریکا را از زیر ضربه خارج کند. «میزان» میگوید: چون شوروی وارد افغانستان شد، آمریکا هم در ایران دخالت نظامی و در ترکیه کودتا کرد. یعنی اگر شوروی وارد افغانستان نشده، آمریکا هم دخالت نظامی در ایران و کودتا در ترکیه نمیکرد. پس مقصر شوروی است نه آمریکا. امریکافض همکس الملل» میکند، نه عمل. اگر عمل شوروی نباشد، همکس الملل آمریکا نیز نخواهد بود. پس دشمن اصلی شوروی است، نه آمریکا. بنابراین در برابر این دشمن اصلی، میتوان و باید با امریکابشاز کرد!

بدینسان «میزان»، که ملنا نمیتواند بگوید باید امریکاراجعدا بایران آورد، سعی دارد از طریق تبلیغ بااصطلاح سازش دو ابر قدرت، خوانندگان خود را بجهان نتیجه‌گیری برساند. «میزان» - ارگان بورژوازی لیبرال سازشکار، خواستار بازگشت آمریکا از برژینسکی به ایران است. «میزان» در خط برژینسکی است و در خط برژینسکی تبلیغ میکند.

دستور برژینسکی را باز دیگر یادآوری کنیم: «لازم است جو سوء ظن و عدم اعتماد را که بین ایران و همسایگانی وجود دارد، مورد بهره‌برداری قرار داد. رئیس‌جمهور (کارتر) معتقد است که پایان حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی ایران خصوصاً توسط اتحاد شوروی، حتماً به تضعیف مواضع سیاست خارجی رژیم خمینی منجر خواهد شد.

«میزان» سعی دارد سوء ظن را، که در نتیجه بیش از نیم قرن تبلیغات امریکایی علیه اتحاد شوروی در ایران، در ذهن باقی مانده، دامن زنده، تا شاید متکی بدان، بتوان سیاستی را در جهت تیرساختن رابطه جمهوری اسلامی ایران با اتحاد شوروی اجرا کرد. به حمایت شوروی از جمهوری اسلامی ایران پایان بخشید و بدین وسیله «مواضع سیاست خارجی رژیم خمینی» را تضعیف کرد، تا بتوان یا آنرا زیر ضربه هلاکت‌بار قرارداد و یا بتوان آنرا منسوخ و عقیم کرد.

نظریه سازش دو ابر قدرت در ظاهر و در نظر اول شاید نمودی تبلیغ و ابراز ختم نسبت به هر دو ابر قدرت باشد، ولی در واقع هدفش ایجاد شکست بین جنبشهای آزادیبخش با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، بین کشورهای در راه استقلال خویش با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، یعنی جدا کردن جنبشهای آزادیبخش و کشورهای استقلال‌طلب از نیروی حمایت‌گر آنها، بقصد تضعیف و شکستن آنهاست.

نظریه سازش دو ابر قدرت، بر پایه دروغ بنا شده و هر گونه تبلیغ آن بناچار مجبور است از دروغ، به نوشته «میزان» برگردد.

می‌نویسد: «اشغال نظامی افغانستان توسط ارتش سرخ، چراغ سبز برای اقدامات مشابه غرب داده شد...»

همین یک جمله مرکب از دو دروغ بزرگ است. افغانستان توسط ارتش شوروی اشغال نشده، بلکه افغانستان برای حفظ انقلاب استقلال‌طلبانه و خلقی خود در برابر تهاجم نظامی ضدانقلاب مسلح، که آمریکا، بکلی پاکستن و چین علیه افغانستان تشکیل داده، از اتحاد شوروی کمک نظامی تقاضا کرد و این تقاضا، هم بر مبنای سیاست اصولی اتحاد شوروی در حمایت از انقلابهای آزادیبخش خلقی، و هم بر اساس قرارداد دوستی و همکاری بین اتحاد شوروی و افغانستان، از طرف شوروی پذیرفته شد. دولت شوروی و نیز دولت افغانستان رسماً اعلام داشته‌اند که بعضی اینکه خطر تهاجم نظامی خارجی به افغانستان مرتفع گردد، نیروهای شوروی خاک افغانستان را ترک خواهند کرد. درباره «چراغ سبز» نیز هر بر فرضی میدانند که هیچ «چراغ سبزی»، نه از جانب شوروی به «غرب» و نه از جانب «غرب» به شوروی، نمیتواند داده شود. جهان‌خواهری و جنایت‌های امریکایی آمریکا با «چراغ سبز» ساختگی، که گویا شوروی به آمریکا و به غرب میدهد، قابل توجه و تیرنه نیست. «میزان» بر جهت در تقلا است تا با «چراغ سبز» مردم را چنان گمراه کند که، دوست را بجای دشمن و دشمن را بجای دوست بگذارد.

«میزان» در ارائه «دلیل» برای اثبات سازش دو ابر قدرت، حتی میخواد چنین وانمود کند که دولت شوروی با تهاجم نظامی آمریکا بایران و سلطه مجدد آمریکا بر ایران موافق است! بادهای «میزان» بدلیل «اشغال نظامی افغانستان»، دخالت نظامی آمریکا در ایران قابل پیشبینی بود (یعنی اگر آن «اشغال» انجام نمیگرفت، این «دخالت نظامی» هم نمیشد!) و در اثبات این ادعای سخیف، دروغ کثیفی میگوید که گویا «روسها» قبلاً از مأموریت نظامیان آمریکا در طبع اطلاع داشتند (و این اطلاع را جز در گوش گردانندگان «میزان» یکس نکند!) و منتظر ماندند ببینند که «مأموریت نظامیان آمریکا» انجام میگردد و جمهوری اسلامی ایران ساقط میشود یا نه، و «تنها زمانی به آمریکا اعتراض کردند که عملیات با شکست روبرو شده! بدینسان، رژیم میزبان سبیلج «خط برژینسکی» «روسها» نه فقط با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، با رژیم جدید فداامریالیستی و خلقی ایران مخالف و دشمنانند، بلکه این «روسها» با خودشان هم دشمنند و میخوادند آمریکا بایران برگردد تا ایران مجدداً به پایگاه نظامی ضدشوروی بدل گردد!

دروغ از این سخیفتر نمیشود. ولی همین دروغ سخیف را گاه در سبیلج «میزان» و نیز گاه با چنان قیافه حق بیجا به «مرد مطلع» میخوادند بخورد مردم دهند، که در واقع حیرت‌انگیز است.

یکی از این قیافه‌های حق بیجا به «مرد مطلع» را میتوان در روزنامه «کیهان» شماره ۲۴ شهریور ۵۹ یافت. آقای دکتر ابراهیم یزدی، که وزیر خارجه در دوران دولت موقت آقای مهندس بازرگان بوده است، بعنوان «مرد مطلع» که قاعدتاً بر مبنای حرف او را قبول کرد، ضمن توضیح علل کودتای امریکائی در ترکیه، گریز به سازش دو ابر قدرت میزند و تا آنجا پیش میرود که خواننده خیال کند که امریکایی‌خواسته است با «روسها» به توافق برسد که در ایران مجدداً پایگاههای نظامی جاسوسی ضدشوروی تاسیس شود، ولی دولت موقت زیر بار نرفته است! آقای دکتر یزدی برای اینکه این مهمل را بخورد خوانندگان «کیهان» بدهد، «استدلال» میکند. می‌نویسد: «... بعد از جنگ جهانی دوم، روسیه و آمریکا دست یگانه

سایه تسلط‌های زده‌اند (نتیجه بگیرد که آمریکا سایه تسلط‌های را شروع نکرده و تجاوزکار نیست!)... اما این سایه تسلط‌های اقتصاد این کشورها را دچار ناپایداری اساسی نموده است. (نتیجه بگیرد که انحصارات اسلحه‌سازی و مجتمع صنعتی و نظامی آمریکا که دولت آمریکا را در دست دارند، از سایه تسلط‌های سود نمی‌برند و صلح‌خواه و آرامش‌طلبند!)... لذا هر دو طرف مدعی شدند که صلح و آرامش جهانی است که برای محدودیت تولید سلاحهای استراتژیک به مذاکره بنشینند... و اساساً همین قسمت مذاکره در دور دوم بود که به مذاکرات مسالت ۲۲ معروف است... و بالاخره کارتر توانست با روسها به توافق برسد (پس زنده‌باد کارتر صلح‌خواه!)...

ولی طرفین یکدیگر اعتماد و اطمینان ندارند و لذا باید امکاناتی بوجود می‌آورند هر کدام دیگری را کنترل کنند... دولت آمریکا برای این امر (کنترل) دست به ایجاد پایگاههای مختلفی در اطراف مرزهای روسیه و نقاط مختلف جهان زده است. (نتیجه بگیرد که شبکه پایگاههای نظامی آمریکا بطور شوروی و نقاط مختلف جهان، که تاسیس آنها از فریاد جنگ جهانی دوم آغاز شد و بصورت ۳۵ سال است که ادامه دارد، برای کنترل ماجرای مذاکرات مسالت بودمست) (مذاکرات مسالت) (کنترل) پایگاه کیهان در ایران بودمست در شمال خراسان، که در زمان شاه مستقیماً زیر نظر و بدست مأمورین امریکائی اداره میشد... تحلیل پایگاه کیهان این امکانات (کنترل) را از آمریکا گرفته است. لذا تصویب مسالت ۲۲ در کشور آمریکا با در هاست...

و جان کلام آقای دکتر یزدی: بعد از هروزی انقلاب، دولت آمریکا فشارهای زیادی را به دولت موقت وارد آورد که نتواند مقاومت دولت را برای فعال کردن مجدد پایگاه کیهان بگیرد (بجای! معلوم میشود مسالته در پشت پرده، تا حد تاسیس مجدد پایگاههای امریکائی در ایران مطرح بوده است!)... اما دولت موقت زیر بار نرفته.

سپس دکتر یزدی می‌نویسد: «حتی طرح شد (چه کسی با چه کسی مطرح کرده، معلوم نیست) که ممکن است آمریکا و روسیه باهم مذاکره کنند و مشترکاً فاش شدن مجدد کیهان را از ایران درخواست کنند و این نیز (از طرف دولت موقت) پذیرفته شد. لذا دولت آمریکا از این بابت مایوس و سخت ناراحت شد. بسیاری از جلات موزیانه و مرموز علیه دولت موقت و سیاست خارجی آنرا چنین امری ناشی میشود.

بدینسان، بعد از آن صغرا و کبریا که هر مطرح بنحوی آمریکا را تطهیر میکند، بالاخره آقای دکتر یزدی، بعنوان شخص «مطلع» کار سازش دو ابر قدرت را به آغوش می‌رساند که روسیه و آمریکا میخوادند با یکدیگر مذاکره کنند تا پایگاههای جاسوسی آمریکا در ایران علیه شوروی مجدداً تاسیس شود که خوشبختانه بدلیل «عاطفیت انقلابی» دولت موقت این امر صورت نرفته است، و در نتیجه آمریکا از دولت موقت مسخت ناراحت شده است!

ضمناً شما باید بدانید که از این پس، هر کس انتدای از کار دولت موقت بکند، «امریکائی» است، زیرا دولت موقت مانع از آن شده است که آمریکا و شوروی با یکدیگر مذاکره کنند و مشترکاً از ایران بخواهند که آمریکا بر ضد شوروی در ایران پایگاه تاسیس کند!

وقتی خط ۳۳ بگاز می‌بخواد در خط برژینسکی، سطرش دو ابر قدرت را تبلیغ کند و یا از خود دفاع نماید از این بهتر نمیشود.

کنگره حزب کمونیست و نروژ و نللاهه دمکراتهای آن کشور را به اتحاد فرا خواند

از آن جهت دارای اهمیت است که، امریکایی بین المللی و الیکترنی بوم، هیستری ضد کمونیستی و ضد شوروی را دامن میزند و در راه جلوگیری از گسترش وحدت نیروهای انقلابی تلاش می‌رود. حزب کمونیست، از مواضع مارکسیستی-لنینیستی، برای وحدت بین جنبش‌های مبارزه خواهد کرد.

دیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست نروژ، در پایان سخن خود اطمینان داد که کمونیست‌های نروژ، حتی لفظی از یکبار برای تحکیم صفوف جنبش بین‌المللی کمونیستی و کارگری، صلح و آزادی خلق‌ها باز نخواهند ایستاد.

کنگره ششم حزب کمونیست نروژ، ترون بر برنامه‌های سیاسی حزب، برای سالهای آینده در چندین قطنامه، همبستگی بین‌المللی خود را با مبارزه فداامریالیستی، ملی و استقلال‌طلبانه خلق‌های کشورهای گوناگون جهان ابراز داشت.

چند روز پیش، ششمین کنگره حزب کمونیست نروژ، در کاراکاس برگزار شد. خروس فلریا، دبیر کل حزب، در گزارش کمیته مرکزی به کنگره، بیروزیهای نیروهای صلح را در سالهای گذشته در سراسر جهان یادآور گردید. وی همچنین تذکره کرد که این کامیاب‌ها کوشش محافل امریکایی را برانگیخته است. این محافل، که اینک گوشه تجاوزکارانه خود را تعدید کرده‌اند، میکوشند تا جهان را به ورطه جنگ بکشانند. وی برای نمونه، به تصمیم «ناتو» در بروکل اشاره کرد که، بسویچ آن، جنگ‌ایزراه‌های هسته‌ای جدید میان برد در اروپای باختری مستقر خواهد شد. وی این تصمیم را ضربه‌ای سهمگین علیه تشددامی خواند.

فلریا همبستگی کمونیست‌های نروژ و نللاهه را با جنبش‌های آزادیبخش قاره آمریکائی لاتین ابراز داشت و دیکتاتوری‌های خونخوار شیلی، السالوادور، گواتمالا و پاراگوئه را محکوم کرد. وی، در این کنگره، بویژه تروری را که اکنون بر بولیوی سایه انداخته است، خطرناک ساخت و مزم خلق بولیوی را برای براندازی حکومت اختناق‌آمیز خوتاری نظامی ستود.

دیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست نروژ، سیاست خارجی رهبران یکن و همبستگی آنها را با نیروهای امریکاییست‌یاد انتقاد گرفت. وی همچنین به تفصیل به اوضاع داخلی نروژ و نللاهه پرداخت و از مردم نروژ و نللاهه خواست، تا در برابر تهاجمات فزاینده به حقوق زحمتکشان، افزایش فعالیت‌های راستگرایان افراطی و تلاش امریکایی ایالات متحده امریکایی شرکت هرچه بیشتر و نروژ را در سیاست تجاوزکارانه خود، حثیار باشند.

فلریا نتیجه گرفت که، بدین ترتیب، دمکرات‌های نروژ و نللاهه وظیفه دارند تا با تشکیل جبهه‌ای واحد، به نیروی سیاسی توانش بدل شوند و در برابر سیاست احزاب بورژوازی به ارائه دیپلمات‌سازندمی قادر باشند. فلریا افزود: «کنگره ما پروتاریا و دیگر نیروهای زرق‌خواره را به برنامه‌های انقلابی مجبوز خواهد کرد که بنشاه پرچی در راه یکبار برای منافع ملی خواهد بود. حزب کمونیست برای اتحاد همه زحمتکشان و تبدیل حزب به پیشاهنگ سیاسی راستین پروتاریا خواهد رژیمید. فلریا گفت که مقابله سازنده با سیاست رژیم کمونی نروژ و نللاهه بویژه

وزیر خارجه اتحاد شوروی...

حمایت مرکندیکن نیز گستاخه وقوع یک جنگ را پیش‌بینی کرده است. وزیر خارجه شوروی گفت: اتحاد شوروی هرگز در راه تامین سلطه بر هیچ منطقه‌ای نبوده و تنها از منافع مشروع خود دفاع می‌کند. گرومیکو باردیگر خواستار تلاش جهانی برای گسترش تشددامی و تامین خلق سلاح شد.

از سوی دیگر اتحاد شوروی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد پیشنهاد کرده است که تدابیر مشخصی برای حفظ صلح به عمل آید. از جمله از گسترش گروم بندی‌های سیاسی و نظامی کمونی، خودداری شود و همه کشورها برای مدتی معین از افزایش نیروها و سلاح‌های خود خودداری کنند و در یک مقاله‌نامه بین‌المللی تمسین شود که کشورهای دارای سلاح‌های هسته‌ای، علیه کشورهای که فاقد این سلاح هستند، سلاح اتمی بکار نخواهند برد. همچنین کشورهای دارای سلاح‌های هسته‌ای از تاریخی که درباره آن توافق خواهد شد، اطلاع کنند که مدت یکسال از هر گونه آزمایش هسته‌ای خودداری خواهند کرد.

پس از صحنه ۱ گرومیکو گفت: مواضع جهانی برتری تر شد. زمامداران ناتو تلاش دارند که تامل استراتژیک را بیخ خود تغییر دهند و عامل اصلی روایت مواضع جهانی همین امر است. وزیر خارجه اتحاد شوروی گفت: هیلتمداران واشنگتن چند مسئله را عنوان کرده‌اند: اول آنکه با اصطلاح مناطق مختلف جهان و بویژه مناطق دارای منابع نفتی و یا مناطق استراتژیک و یا هر منطقه‌ای را که پتانسیون هستند، جزء مناطق منافع حیاتی آمریکا اعلام می‌کنند و معلوم نیست چه کسی این حق را به واشنگتن داده است!

گرومیکو افزود: واشنگتن تلاش دارد عمل‌های این گروه مناطق را از حق حاکمیت محروم کند. دوم آنکه واشنگتن اعلام کرده است هر تغییری که خوش آیند آمریکا نباشد، اصلی برای مداخله مستقیم و غیرمستقیم از سوی آمریکا خواهد بود و البته سباه واگتی سریع نیز برای مقابله با همین تغییرات و دیگر گویا ایجاد شده است. آمریکا در سالهای اخیر بیش از پیش از روش اتکه به زور یکن

توجه!

مطلب زیر، که در هفته گذشته در نامه مردم چاپ رسید، برای مطالعه ویژه رفا توصیه میشود - اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران «صوظان» چون تن واحد به مقابله با تجاوز رژیم مزدور پستی عراق و توطئه امریکایی رژیم (شماره ۳۳۹)

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

بانسوی سنی از شهرک هردیس ۵۰۰ ریال ۴۰۰ ریال ۳۰۰ ریال سازمان حزب توده ایران در گرگان ۵۰۰۰۰ ریال

مواظب فئودالها باشیم. خطرناکند

گروهی مستکبر ظالم و فاسد، یعنی ملکدارها و خانها ایستاده‌اند. بافتنگ، با شمل آترو با چاق ایستاده‌اند. با قلم بدست و فکلی و طاغوت زده و مغرور، در بزخی ادارات و مطبوعات و با صافه سران تاریک اندیش خود، که از اسلام واقعی بوی نبرده اند و همیشه زور را نه ریزه خوار خوان زر و زور را با بود موهبتند، ایستاده‌اند. لشکری سیخ کرده اند و میدان پیکار آمده‌اند. همه و سایل، از جمله دم کشتی و آتش افروزی و نفاق - افکی و شاه پیرانی و ناراضی تراشی و دو بهم اندازی و "فتوی" پخش کردن و استفاده از نفوذ برخی روابط - السلاطین و مرجع اسلام آمریکا و سو استفاده از دستورهای موجود و احساسات ملی و مذهبی رایج خدمت گرفته اند تا حکومت و زمین همبستان از آن ملکدارها و خانها و سرمایدارها بماند و کجوشنبا و

گرم اصلاحات ارضی هنوز باز نشده است. دهقانان چشم برآورد و بی سرانه در انتظار هیئت ۷ نفری و نتایج کار آن هستند. زمین داران بزرگ همه نیروهای خود را بسیج کرده اند و کف بر لب، از منافع پلید خود دفاع می کنند و جمهوری اسلامی ایران و قوانین صوبان و انقلاب بزرگ مارا به هیچی گیرند. ولی تاکی؟ تاکی می توان این گره را باز کرده نگه داشت؟ فراموش نکنیم که مسئله زمین در مرحله فعلی، یعنی مسئله زمین بردن کامل و بی چون و چرای بزرگ مالکی و ظلم و ستم و غارت و فساد فئودالی و بورژوا - ملاکی و زمیندار کردن کلیه دهقانان، یک مسئله حیاتی و اساسی انقلاب است، یکی از شاهکارهای جامعه نوینی است که باید بنا شود، یکی از معیارهای مدمو علل و اسباب مهم پیروزی یا شکست انقلاب پویای ماست. اگر گره باز نخورد و بزرگ مالکی، این پایگاه ضد انقلاب و ظلم طاغوتی و استثمار، از زمین برده شود، راه تنگ ملی جامعه باز خواهد شد، میبایست ایران را زحمتکش به حق مسلم خود خواهد رسید و به مدافع جان - برکف انقلاب بدل خواهند شد. و گرنه این گره بر گردن جامعه انقلابی مانگ خواهد افتاد و تراخه خواهد کرد.

مسئله به پیروجه اداری و فنی، با جزئی و جنبی نیست. ما مسئله عمده ای در جریان تکامل انقلاب، با مسئله های حیاتی برای تکامل کشور روبرو هستیم. با مسئله های فوری که نمیتوان آنرا بازم - ۱۹ ماه از پیروزی انقلاب میگذرد. به توفیق انداخت و دهقانان را چشم انتظار باقی گذاشت.

گره هنوز باز نشده است، چون نیروی اجتماعی یعنی، با قدرت عمل و مانور قابل ملاحظه ای، جلوی گشودن آنرا میگیرد. چون بزرگ مالکان، به متابعتی از ضد انقلاب فعال و خطرناک، و موثر و صاحب نفوذ نمی گذارند این سد برداشته شود. فئودالها و خانها همه مواهل خود را بسیج کرده اند، در لحظه فعلی از یک سو چاقو داران و تفنگداران و اوپا شان مزدور آنها و از سوی دیگر ملا نمایان و روحانی نمایان، و مواظ الارباب، مهم ترین وسیله عمل آنها هستند. باید چشم باز کرد و واقتیت را روبرو نگاه کرد و برای مقابله با وضع موجود اتخاذ تصمیم کرد.

دهقانان تهیدست، یعنی کلیه بی زمین ها و کم - زمین ها، یعنی میلیونها مستضعف کوچ نشین مزارعه خواستار واگذاری زمین هستند. نیروهای انقلابی راستین با درک اهمیت و حساسیت طلب، ضرورت رساندن حق به حق دار زمین به دهقان را مزارعه و موکدا گوشزد میکنند. در راس همه، این فریاد امام خمینی است که میگوید: باید به حکومت طلعت ۲۵۰۰ ساله قلد رها پایان داد و از این پس "حکومت باید برای مستضعفان باشد"، زیرا که تاکنون "هر چه بوده برای ملکدارها و قدرت دارها و سرمایه دارها و روبا بوده". این اساسی مطلب است: زمین و قدرت و حکومت هر چه کم بود مستضعف، دیگر نباید متعلق به ملکدارها و خانها... باشد. دیگر جوهر ظلم و ستم و ستم و فساد کانی است. این حکم انقلابی و مبارزانه است. ماست. امام بر این اساس حکم و این نیاز و در برابر آن فریاد از دل برخاسته و آن خواست مبرم و انسانی و حقه

● هیئت های هفت نفری! دهقانان منتظر عمل قاطع شما نیستند
● دولتیان! در برابر تشبثات وسیع بزرگ مالکان مسئولیتی حیاتی متوجه شماست
● انقلابیون راستین! با تزویر روحانی نمایان طاغوت زده مقابله کنید!
● دهقانان! هشیارانه و فعال مبارزه کنید، با نهادهای انقلابی و هیئت هفت نفری همکاری کنید، تا بساط اربابی بر ای همیشه ریشه کن شود

مستضعفین و کجمازاریها و با برهنه ها همچنان در زخمیر باشند. هم اکنون زمان آنست که هیئت های ۷ نفری کار را بسجده دهند. ولی اعمال مالکان زیر علم اسلام آمریکائی، اصل قانون اصلاحات ارضی را فنی میکنند و تابع میکنند که در آن تجدید نظر خواهد شد. و این در حالی است که حضرت آیات عظام منتظری و مشکینی رسا اعلام کرده اند که قانون اینظر آنها گذشته و هیچ منع شرعی ندارد. زمان آن است که در آستانه کشت پاشیزی، هر دهقانی تصور قطع نداند که زمین مال اوست و با خیال راحت شروع بکار کند. اما هزار مشکل متر اندونی - گذارند هشت ها کار خود را آغاز کنند. و این در حالی است که فریاد دهقانان به آسمان بلند میشود، که اگر این وضع ادامه یابد، خطر زود خورد و خیزری است، خطر گردستانهای دیگر "هست، خطر افروختن کانون های ضد انقلاب هست.

" اخیرا شاهد گردیدیم که بعضی افراد اقدام به اخراج زارع بازرگر خود از زمین نمودند. لذا تا پیاده شدن قانون واگذاری واحه اراضی کسی حق دست زدن به زمین عمل خلاف قانون را نخواهد داشت. این ممنوعه، از اسامان حاسی کشور است، که ضد انقلاب شدت در صدور منماری فعالیت های خود در آنجا است. نمونه ها بسیار زیادند و کدام استان ایران است که در این لحظات سرنوشت ساز، حاسی نباشد؟ و کدام منطقه است که در آن بزرگ مالکان مارتگر و عمال زور و مقدس با بازرگر و حجاج بدست آن فعال نباشند؟

در این روبروئی سرنوشت ساز بین میلیونها دهقان و مستی ملکدار و خان، بین خطا امام، که دفاع از مستضعفین است و بوط مستکبرین ضد انقلابی، و خطای ای بسیار سنگین و حیاتی متوجه دولت جدید و مجلس شورای اسلامی، متوجه قوای متکا نه کشور و نهادهای انقلابی است. با همه اقرا و هر چه بود و تر و قاطع تر باید سرخمس غارتگر و مستکبر، این مار هفت رنگ را، که زهری امیرالینسی دارد و دمی ضد انقلابی، در هم کوبید. با همه قوا هر چه سیرتر و کامل تر باید بساط بزرگ مالکی و قدرت این قلد رها را، که کانون تشنج ضد انقلابی و ستم و فساد می آفرینند، برچید. با همه قوا، قورا و زرشه، با دستجات چاقو دار اربابان و حواین، که خونهای سیرین و زنج و حشتم های آفرینند، و با گور و روحانی نمایان، که سرمایه ای وجود و تفکرشان طاغوت زده ارباب زده است و خرقة آلوده شان مسوحت آتی، باید قاطعانه کمرود.

با این بلنگ تیز دندان از طریق مروت و رحم، نصیحت و پند نمیتوان روبرو شد. با او میلیونها دهقان و انقلاب مارا از هم خواهد دید، با ما این نطفه فساد و استعمار و جبروتی باقی میماند و ظلم را نابود خواهیم کرد. راه دیگری وجود ندارد. هر قدر در کسب - وهم اکنون از حکومت "آزادی" ۱۹ ماهه برداشته است، به میلیونها مستضعف، به موجودیت جمهوری اسلامی ایران، به سازندگی آینده آن زبان رساند ما می.

دهقانان چشم برآورد. کشت پاشیزی فرا - میرسد. وقت تنگ است. مسئله فوری، حیاتی و عمده است. دشمنان انقلاب و بهره کتان مستکبر سخت فعال اند، سخت خطرناکند. سکانداران حکومت از ما مداران جمهوری اسلامی! مسئولان امور فتنه و اجرائیه! متوجه ما نیستید موضوع حساسیت مسئله نیست. مسئولیت شما در این امر - حیاتی مسئولیتی بزرگ است. مستضعف ترین مستضعفین کشور ما، یعنی میلیونها دهقان چهار گوشه ایران منتظر اقدام هر چه بود تر و قاطعانه هیئت های ۷ نفری هستند. هر کونه مانی، بهر مان و سپانه و شکلی، از سر راه کار این هیئت ما باید برداشته شود. تا بهجت و با مشارکت خود دهقانان و بانک فعال نهادهای انقلابی و عناصر مستضعف سپاه و جهاد رسته بزرگ - مالکی، تمام و کمال، کنده شود و کلیه زمینها به دهقانان، به کسانی که کار میکنند واگذار شود. تا انقلاب ما مستعکم و تکوین، اقتصاد کشاورز، ما بر رونق و سالم زندگی دهقانان ما بهر و انسانی گردد.



پای برهنه، پیاده، کودکان روستای حاجی قره (گرگان) ده کیلومتر را پایبندی کنند تا پیله برهنه

نظام شوری تدوین شده، بنامند و امکانات و بودجه های مربوطه را در دست بگیرند. هم چنین بیست خانوار کم زمین و بی خانوار بی زمین باید نمایندگان خود را انتخاب کنند و با کمک جهاد سازندگی و سایر نهادهای انقلابی، این نمایندگان را به هیئت نظری برستند. با مسئول واگذاری زمین را هر چه بود تر و به درستی حل کنند و بسر اجرای قانون اصلاحات ارضی نظارت کنند. برای آنکه شورای ده اعتبارات و حفسوق قانونی خود را به بدست آورد و متشا خدمت بخود، برای آنکه نمایندگان دهقانان تپی دست در هیئت ۷ نفری عضویت پیدا کنند و بساط بزرگ مالکی برچیده شود، برای آنکه مسائل مربوط به مزارع و درخواست های قالی بافان رفع و واسطه طرد گردند، خلاصه برای آنکه مدای دهقانان یکی شود و گره از مشکلات بازگردد، باید اتحادیه دهقانی تشکیل شود. تا نیروی متحد دهقانان، با بهره گیری از کمک نهادهای انقلابی، بتواند این مسائل را حل کند.

- از کلیه رفا و هستان گران روستا درخواست می کنیم:
- بزرگ مالکان ارباب گران را مورد هفتاری، حتما نام روستا، پیشه شهرستان و نام استان در پشت مکتبها قید فرود
- ضمنا در هنگام ارسال مکتب حتما لیله را هم ضمیمه گزارش ارسال فرارید
- نام روستا و نام اعضای ده و خانها و با حروف جدا از هم (تی - ای - د - ت - ق - ی - آ - پ - ا - د) بنویسید
- بختان دهقانان را حتما و حنا نظور که خوانتها میگردند نقل کنید

مسائل روستای حاج قره گرگان

تیرهای برق را کاشته اند، ولی هنوز به روستائیان برق نداده اند. در این روستا و روستاهای مجاور آن حصار وجود ندارد و اهالی برای استحمام باید به آق قلا (پهلوی دز سابق)، که از روستا حدود ده کیلومتر فاصله دارد، بروند. روستائیان از آب آشامیدنی بهداشتی نیز استفاده نمی کنند، بلکه منبع تامین آب آنها چاهی است که در دو کیلومتری روستا قرار دارد. این چاه حفاظتی برای ممانعت از ورود میکروب و سایر عوامل خارجی ندارد. تاکنون نیز آبرسانی بهداشتی به این روستا صورت گرفته است. در اثر عدم لایروبی بستر رودخانه و روستا هم طلع گردیده و به هنگام زستان و طوفان، خانه های روستا را در بر می گیرد. حاجی قره از جمله روستاهایی است که مالکین بزرگ در دوران طاغوت بیشتر اراضی آنرا در برد خود داشتند. این مالکان که عموما "بازرگران و سیا در تهران بسر می برند، آخر سال می آمدند و دستر روستائیان زحمتکش را می بردند. حدود دو بیست هکتار از اراضی این روستا به مالکین بزرگ عسقلق دارد و در عوض از پنجاه خانوار این روستا، حدود بیست خانوار، زمین شان هر کدام در حدود پنجاه هکتار است، که می توان آنها را از جمله دهقانان کم زمین دانست. بقیه (سی خانوار) نیز که، عموما جوانان روستا را تشکیل می دهند، بی زمینند. قالی بافی منبع درآمد مهم روستائیان حاجی قره است. یکی از اهالی می گفت: "اگر قالی بافی نبود، وضع ما از این هم خراب تر بود.

البته قالی بافی، با آنکه کاری شقت بار است و چشم بافتندگان قالی های زیبا در تار و پود کف کم نور خود را از دست می دهد، درآمد چندانی ندارد. فی المثل یک تنه قالی ۳×۲، که حدود پنج هزار تومان به فروش می رود، با صد تومان هزینه مواد اولیه دارد و برای بافتن آن نیز ۳ کارگر باید در بیست شاعر روز، روزانه تا نوزده ساعت کار کنند. تا قالی بافتن شود، که باید حساب سرانگشتی متوجه می شویم که این کارگران در قبال هر هشت ساعت کار، حدود ۳۷ تومان مزد می گیرند. بنابراین، چنانکه دیده می شود، این کارگران حتی مرد معمول یک کارگر را دریافت نمی دارند.

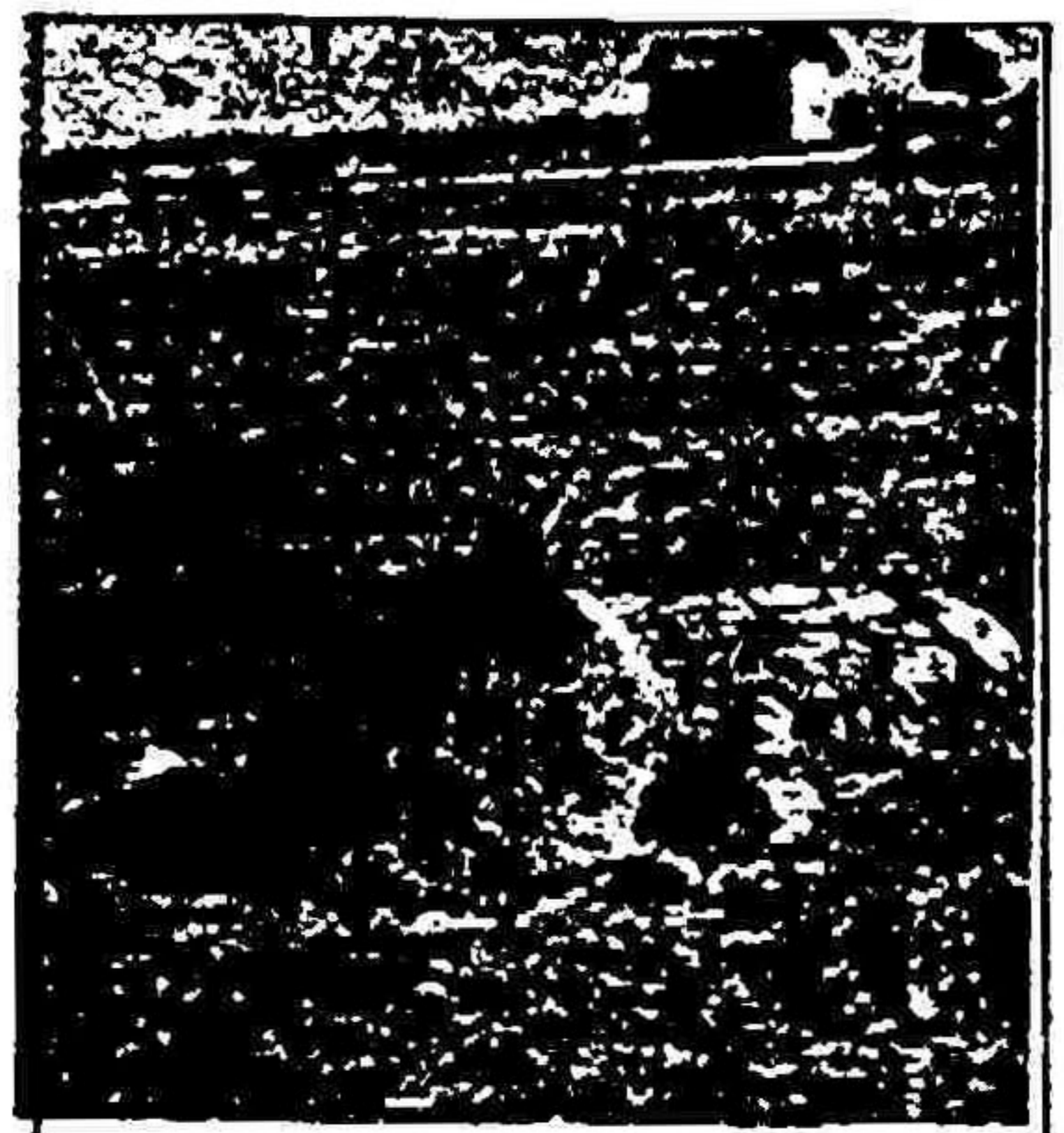
در حاجی قره، اخیرا شورای تشکیل گردید، که ۵ نفر در آن عضویت دارند. این شورا هنوز اختیارات قانونی ندارد. به نظرم، اعضای شورا باید هر چه بود تر با مقامات بخشوی شهرستان تماس بگیرند و ششورای منتخب اهالی را صاحب اختیارات قانونی، که در

دهقانان عزیز!

دست چناینگار و تجاوزگر آمریکا این بار از آستین صدام حسین، رئیس دولت بعثی عراق درآمده است. تجاوز نظامی رژیم بعثی عراق علیه میلیونها علیه انقلاب بزرگ ما، چیزی نیست جز بخشی از توطئه های شیطان بزرگ - امپریالیسم آمریکا. بگفته امام خمینی، رهبر انقلاب: **ایران در حال جنگ است با آمریکا و این آلت هیئت آمریکا تجاوز کرده است به ایران.** وظیفه همه ما است که از انقلاب، از جمهوری اسلامی ایران دفاع کنیم. باید متحد و آماده باشیم تا آمریکا و رژیم بعثی عراق هیچ غلطی نتوانند بکنند. **دهقانان زحمتکش!**

برای مبارزه علیه تجاوز نظامی رژیم بعثی عراق و برای مقابله با توطئه آمریکای خونخوار، آمادگی خود را برای دفاع از انقلاب و از جمهوری اسلامی ایران به نهادهای انقلابی اعلام کنید! خونسردی و شانت انقلابی خود را حفظ کنید! با شایعات دشمن یاور نکنید! با شورا انقلابی همیشه آماده باشید! یا پاسداران محل تماس بگیرید و هر فرمانی که سپاه پاسداران برای دفاع از انقلاب و سپین انقلابی میدهد، اجرا کنید! شما بخش اعظم ارتش بیست میلیونی را تشکیل میدید، درمجا، در هیچ مستضعفین شرکت کنید و قملانه دستورها و راهنمایی های بسیج را عملی سازید! عوامل ضد انقلاب و ترقه افکن را در مرجا که هستند، شناسائی کنید و به نهادهای انقلابی اطلاع دهید!

از غرضمائی که هنوز جمع آوری نشده، یا هنوز در آبنماهای ده مانده، مراقبت کنید! از اداسیا مواظبت کنید! برای چشمه ها و منابع آب و چاهها مامور بگذارید، تا ضد انقلاب به غرضمائی و منابع آب آتامیدنی شما خساراتی وارد نکند. مواظب تحریکات و توطئه های اربابان و خوانین باشید. نقشه های آنها را فاش کنید! دهقانان ایران! در این لحظات حساس، همه جایتبه و با اتحاد و هشیاری از انقلاب و از جمهوری اسلامی ایران دفاع کنید!



روستائیان حاجی قره از این تصور برای یخت نان استفاده می کنند

تشکیل جبهه متحد

نورالدین کیانوری:

فشار دشواری‌ها هر روز سنگ

واقفیت این است که از طرف حاکمیت ایجاد نهادهای قانونی و نه پس از آن که همحالی برای اروپا و روسی با توطئه‌های نگردیده، بلکه برعکس مردم ایران شاهد آب به آسیاب پشرفت هدفهای دشمنان است. کافی است تنها به برخی از این نکات بر

در زمینه تجمع و تجهیز نیروهای انقلاب

مثلاً بیستم در زمینه عمده‌ترین صفت امام خمینی تقریباً "در هر برآمد خود به آن نیروهای راستین وفادار به انقلاب چه می‌گردد" انقلاب ایران، امیرالاستها، صهیونیست، مسلمان و هواداران مکتب سوسالیم علی‌ر دفاع می‌کنند، بلکه میان‌سازان مسلمان رهبران مسلمان تبعه، میان مجلس و مقامات مسئول حاکمیت دولتی و نهادهای وفادار به انقلاب آتش نفاق را برافروزند. درست توجه کنید، حمله به دفاتر حر و علی می‌گردد که با شکست خطرناک‌تر همگان روشن می‌شود که حزب توده ایران داشته است. آیا امروز که حقایق بسیاری در گردیده، دلایل کافی به دست نمی‌دهد که بوده ایران به انتقام‌جویی کودتاچیان، سازان مسلمان که همه این تجاوزات به‌انقلاب قرار گرفتند؟ آیا ادامه این تدبیر طرف رئیس جمهور، دادستان کل کشور، اسلامی نشان‌دهنده این نیست که دست ضد همه این‌ها نشان‌دهنده می‌دهد که رهبران دشمن در زمینه ایجاد نفاق و دامن زدن به عقل سلیم و دید روشن حتی سادس تلاش ما باید در جهت خاموش کردن این تلمیح ساختن آن.

آیا در آرزوی نیست که دستگاه‌های تبلیغی راستین انقلاب حتی از گفته‌های تحریک‌آمیز برای دامن زدن به آتش نفاق و دشمنی که از نهرانی و رکنی که تا آخرین دم به هدایت نیروهای انقلاب را خوب تشخیص می‌دهند و حیات تنگین خود آخرین زهر خود را برسموم ترازند. ایسان آگاهانه عمل می‌کنند دامن‌گر آنگار جلوی پای آنان گسترده می‌ماند اما اطمینان داریم که عوامل ضد انقلاب ساعت‌ها فیلم برای "پیروزی کودتا تدارک سیاسی جای گرفته‌اند و با تظاهر به تصدیق می‌دهند.

برخورد با مسئله ملی

نمونه دیگری از برخورد نادرست حاکمیت در مورد کردستان است. از همان آغاز انقلاب روشن بود که اجتماعات کورهای نظیر ایران و باستان اقلیت‌های ملی و هم در میان نیروهای ملی به زبان انقلاب و در جهت ایجاد آرزوی ما شاهد آن هستیم که این تود عراق و سرگردانگی عوامل وابسته به امر بخشی از خلق رنج‌دیده و ده‌ها بار در نا و مهم‌ترین مرکز فعالیت ضد انقلاب در کردستان به نظر ما در کنار تحریکات امیرالاست واقع‌بنانه حاکمیت در ایجاد چنین صیبر جمهوری اسلامی ایران به مسئله کردستان (مانند آذربایجان، بلوچستان، خوزستان، سنی بر تجربه تاریخی ده‌ها نمونه مشاهده

و مردمی کشور ما با دشمن کن‌توز و خطرناک یعنی امیرالاست جهانی به سرکردگی امیرالاست آمریکا و همه حکومت‌های ارتجاعی منطقه روبرو است و باید هر لحظه انتظار داشت که این دشمن توطئه جدیدی را برای یاد آوردن نظام انقلابی و تغییر بنیادی در سبک زندگی ضد امیرالاستی و مردمی آن تدارک ببیند.

ولی با کمال تأسف به جای آن که حاکمیت انقلابی کشور این واقفیت را دقیقاً بشناسد و همه نیروهای انقلاب را در راه مقابله با این خطر عظیم تجهیز کند و در آن شرایط مساعد اتحاد کم نظیر نیروهای انقلابی جبهه متحدی از این نیروها با برنامه‌های عملی بوجود آورد، تحت تاثیر لبرال‌ها قرار گرفت و دچار خوش‌باوری شد و خطر را به مراتب کوچکتر از آن چه بود ارزیابی نمود. واقفیت سرخ نشان دادند که تجربه توفیق دولت به لبرال‌های هوادار نزدیکی به آمریکا، که خوش‌خفا با دیدار با برژنفسکی در الجزایر کوس رسوایش زده شد، تا چه اندازه برای انقلاب ایران گران تمام شد.

حزب توده ایران از همان اولین ماه‌های پیروزی، خطر خیانت لبرال‌ها را به انقلاب کاملاً پیش‌بینی کرد و نیروهای اصیل انقلابی را از این خطر برحذر داشت. دوران حکومت لبرال‌ها که عوامل سرسریده وابسته به امریکا نظیر امیرالاستها، نزه‌ها، مقدم‌مراغی‌ها، ایزدی‌ها و دستیاران هنوز افشاء نشده، دیگر آن‌ها حساس‌ترین مواقع کلمدی آن‌را در دست داشتند. دوران فلج حاکمیت انقلابی در یکسو و دوران سازماندهی نیروهای ضد انقلاب و تدارک‌گره‌های کودتایی امریکایی از سوی دیگر بود.

ولی جنبش انقلابی ایران نیرومندتر و رهبران بیدارتر از آن بود که این توطئه امیرالاستی و ضد انقلاب و نیروهای سازشکار بتوانند پیروز شوند. اعدام جورانه و انقلابی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام به اشغال جاسوسخانه آمریکا ضربه شکننده‌ای به این توطئه وارد ساخت و همانطور که امام خمینی ارزیابی کرد سرآغاز انقلاب تازه‌ای که به مراتب محتمل‌تر و عظیم‌تر از انقلاب بهمن‌ماه است، گردید.

با فاش شدن و سرنگون شدن دولت سازشکار و تسلیم طلب لبرال، امیرالاست آمریکا از کامیابی اولین توطئه علیه انقلاب ایران مأیوس گردید و ملاحظه نقشه‌های از پیش آماده شده برای تدارک کودتای نظامی را وارد مرحله عمل کرد.

ارتجاع جهانی به سرکردگی امیرالاست آمریکا در هشت زمینه مشخص نقشه‌های از پیش آماده شده که در آزمایش‌های ضد انقلابی ۳۰ ساله اخیر بارها به‌مورد اجرا گذاشته شده راجع به انقلاب ایران به‌مورد اجرا گذاشت. این هشت زمینه عبارتند از:

۱. ایجاد جو وحشتناک تبلیغاتی علیه انقلاب ایران در سراسر جهان امیرالاستی و حتی در درون ایران؛
۲. فلج کردن و ناتوان ساختن جبهه مقاومت انقلابی ایران از راه منفرج ساختن عمده‌ترین عامل نیرومندی آن، یعنی وحدت سبک‌گیری و اتحاد عمل همه نیروهای راستین هواداران انقلاب، به‌وسیله دامن زدن به اختلافات فرعی و تشدید هم‌گونه تشنجات درونی در جامعه ایران؛
۳. منزوی کردن سیاسی ایران در دنیای امیرالاستی؛
۴. تیره کردن مناسبات ایران با کشورهای دوست و پشتیبان انقلاب ایران و به‌ویژه همان‌طور که رهنمود برژنفسکی صریحاً اشاره می‌کند، تیره کردن مناسبات ایران با اتحاد شوروی؛
۵. اعمال محاصره اقتصادی؛
۶. تسریع در تکمیل محاصره نظامی ایران که از همان آغاز اوج جنبش انقلابی در ایران آغاز شده بود؛
۷. عملی ساختن کار سازماندهی نیروهای ضد انقلاب در ایران و انجام اقدامات وسیع خرابکاری تا حد تدارک کودتا؛
۸. تدارک یک نیروی ضربتی ضد انقلاب در خارج کشور برای آخرین مرحله اجرای نقشه براندازی جمهوری اسلامی ایران.

امروز دیدن این نقشه امیرالاست آمریکا که سرکردگی همه دشمنان انقلاب ایران را به عهده دارد زیاد دشوار نیست، زیرا همه اجزاء آن دگر آشکار شده است. ولی توجه به این واقفیت بسیار ضرور و جالب است که چگونه اقدامات دولت لبرال در همه زمینه‌ها تکرار می‌کنم در همه زمینه‌ها کبک‌رسانی و زمینه‌سازی برای پشرفت این نقشه بوده است.

در این‌جا برای رعایت صداقت تاریخی باید با تمام صراحت یادآوری کنیم که این حکم‌ها دلیل بر آن نیست که همه افراد و اعضاء و هواداران دولت لبرال مانند امیرالاست و نزه آگاهانه و خائنه چنین سبکی را داشته‌اند. نظر ما این است که موضع‌گیری سازشکارانه و غیر انقلابی لبرال‌ها که ناشی از ماهیت طبقاتی ایشان است، آنان را به این راه رانده است. کوشش لبرال‌ها در جهت محصور کردن انقلاب در چهارچوب نگه‌داری نظام عاریت سرمایه‌داری-آنان را عموماً به جاده صاف کن راه بازگشت بزرگ سرمایه‌داران وابسته و کلان زمین‌داران به قدرت یعنی به بازگشت نظام سرنگون شده مبدل می‌سازد.

این‌که دولت لبرال‌ها را (بخشی آگاهانه و بخشی ناآگاهانه) برای پشرفت این نقشه جهانی دشمنان خارجی و داخلی انقلاب هوار ساخته است، غریب و عجیب نیست. دردناک این است که پس از این تجربه تلخ چطور لبرال‌های رانده‌شده از قدرت دولتی توانستند در شورای انقلاب باقی بمانند و همان‌طور که آقای دکتر باهنر در کارنامه شورای انقلاب یاد کرد، به سیاست ترمزکننده خود در حل مشکلات اجتماعی ادامه دهند.

واقفیت این است که پس از سرنگونی دولت لبرال و آغاز مرحله جدید تجاوز آشکار امیرالاست و ضد انقلاب، عمل شورای انقلاب (با وجود این‌که کام‌های مهمی در جهت رهنمودهای امام خمینی برداشت) در زمینه افشا کردن و خنثی کردن توطئه‌های رنگارنگ سروهای ضد انقلاب در درون کشور و در مقابله با توطئه‌های امیرالاست آمریکا در سراسر جهان یعنی در همه زمینه‌ها آگاهی که یادآوری کردیم نقاط ضعف بسیار جدی داشته است.

این مقاله در تاریخ ۲۵ شهریور ماه سال ۱۳۵۹ برای شماره ۶ مجله «دنیای نگاه» شده است. از آنجا که چاپ مجله، مدتی به‌طول خواهد انجامید، نظر به اهمیت پیش‌بینی‌ها و ارزیابی‌هایی که در این مقاله انجام گرفته است، درج سریعتر آن را در نامه «مردم» ضرور دانستیم.

اگر بخواهیم برای وضع کنونی ارزیابی دقیقی بدهیم به این نتیجه می‌رسیم که: فشار دشواری‌ها بر انقلاب مبین ما هر روز سنگین‌تر می‌شود؛ شکاف‌های ناشی از چند دستگی، عدم تعاضد، هر روز عمیق‌تر می‌گردد. پیامد این دو واقفیت دردناک این می‌شود که: ضد انقلاب یعنی جبهه متحد دشمنان سوگندخورده خارجی و داخلی کشور ما به سرکردگی امیرالاست آمریکا هر روز هاتر، جسورتر و متجاوزتر می‌گردد؛ جبهه نیروهای انقلاب هر روز بیشتر به درگیری‌های خانمانسوز در درون خود مشغول می‌شود و در نتیجه پایداریش در مقابل تهاجمات ضد انقلاب ناتوان‌تر می‌گردد. این‌ها واقفیت‌هایی هستند که هر روز و هر لحظه در برابر چشمان هر مبارز دلسوز به سرنوشت انقلاب ایران قرار می‌گیرند. این واقفیت‌ها نگرانی‌آورند و نمی‌توان به انقلاب علاقمند بود و با خیالی آسوده از کنار آن‌ها گذشت.

درست است که انقلاب شکوهمند مردمی ما هنوز نیروی عظیم بالفعل و بالقوه در درون خود دارد و وجود همین نیروی عظیم است که تاکنون توطئه‌های خطرناک دشمنان انقلاب را نقش بر آب ساخته است، ولی بر اثر ضعف رهبری انقلاب در حل دشواری‌ها و برداشتن سدها و موانع از بر راه گسترش مردمی آن، این نیرو دچار رکود شده و در دوران اخیر رو به کاهش گذاشته است. گفتمی‌شود که این دشواری‌ها، دشواری‌هایی است که هر انقلاب عمیقاً ضد امیرالاستی و مردمی بدنیاال دارد. در این ادعا یک هسته درست وجود دارد. همه می‌دانیم که هر انقلاب عمیقاً ضد امیرالاستی و مردمی که بخواهد در راه نامین استقلال واقعی در قبال سلطه نیروهای اهرمیتی امیرالاست جهان‌نخور و در راه دگرگونی مناسبات اجتماعی به‌سود محرومان و به‌زیان غارتگران به اقدامات بنیادی دست زند (و اگر واقفاً انقلاب ضد امیرالاستی و مردمی است راهی جز این ندارد) با دشواری‌های عظیمی روبرو خواهد شد. برای جامعه‌ای که طی ده‌ها سال زنجیرهای اسارت و وابستگی به امیرالاست خونخوار به دست و پایش بسته شده بود، راهی از این اسارت و وابستگی کار آسانی نیست و این کار با دشواری‌های بسیاری توأم است. ولی این هسته درست عینی، تنها یک سوی سکه را نشان می‌دهد. سوی دیگر سکه این است که نیروهای انقلاب چگونگی می‌توانند بر این دشواری‌ها چیره شوند. در این‌جا است که نقش رهبری انقلاب، نقش رهبری این ارتش عظیم آماده به از خودگذشتگی و جانبازی در راه پیروزی انقلاب اهمیت تاریخی و تعیین کننده پیدا می‌کنند در شرایط نبرد زندگی و مرگ که اکنون برای انقلاب مبین ما بوجود آمده است. اگر رهبری انقلاب بتواند نیروهای عظیم انقلابی را به‌صورت ارتش واحد و متحدی گرد هم آورد، و در جبهه‌های گوناگون نبردهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حتی نظامی به میدان بفرستد و از امکانات عظیم مساعدی که در شرایط امروزی جهان و در درون کشور ما به‌سود تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب وجود دارد، بهره‌گیری کند، به آسانی خواهد توانست همه دسیسه‌ها و توطئه‌های دشمنان خارجی و داخلی انقلاب را نقش بر آب سازد و مبین ما را در راه گسترش پایه‌های استقلال ملی و آزادی و پیشرفت اجتماعی با کام‌های فرسنگی به پیش ببرد.

برای آن‌که رهبری انقلاب ایران بتواند علی‌رغم همه دشواری‌ها و همه دشمنی‌های کین‌توزانه و شیطانی امیرالاستها و سرسپردگان نشان انقلاب را پیروزمندان در چنین راهی به پیش ببرد، در همه زمینه‌ها هم در درون جامعه ایران و هم در صحنه جهانی از امکانات عظیم واقعی برخوردار است. باهیت حاکم کشور است که دوزخ هرگونه پیشداوری باروشی واقع بینانه از این امکانات عظیم و تاریخی بهره‌گیری نماید. حتی یک مقایسه سطحی امکانات عظیمی که برای پیروزی انقلاب ایران در شرایط کنونی جهان وجود دارد با امکانات به مراتب محدودتری که برای انقلاب‌های پیروزمندان الجزایر، ویت‌نام، کوبا، آنگولا، موزامبیک و کشورهای دیگر نظیر آن‌ها وجود داشته است، ما را به این نتیجه می‌رساند که بزرگترین نقطه ضعف انقلاب ما را باید ندر عوامل عینی و دشواری‌های اجتماعی بپذیرد بلکه در ناتوانی حاکمیت در زمینه بهره‌گیری از عوامل مثبت جستجو کرد.

برخلاف نظر افراد و گروه‌هایی که می‌گویند این ناتوانی را تنها پیامد عمل آگاهانه بخش موم‌تری از حاکمیت کنونی کشور معرفی کنند، حزب توده ایران بر آنست که این ناتوانی دوریه عمده و تعیین‌کننده دارد: یکی برخورد غیرواقف بینانه و غیرعلمی بخشی از حاکمیت که با انقلاب وفادار و به پیروزی آن علاقمندان و دیگری عمل آگاهانه و خرابکارانه ضد انقلاب که در دستگاه در هم تنگ شده اعمال حاکمیت دولتی، یعنی دستگاه‌های اداری، نظامی، تأمین، اقتصادی و تبلیغاتی حساس‌ترین مواضع کلیدی را در دست داشته و از این مواضع به‌طور بیکسری و خستگی ناپذیر هرگونه تجمع نیروها، هرگونه تقاضا، هرگونه تلاش واقع بینانه برای بهره‌گیری از عوامل مثبت و مساعد به‌سود انقلاب را زیر آتش تخریبی تویخانه ضد انقلاب قرار می‌دهند.

دشواری‌ها را کمی بشکافیم

برای آن‌که این ادعا ما در هوا نماند، به واقفیات می‌پردازیم، عمده‌ترین دشواری‌ها را کمی می‌شکافیم، راه‌های منطقی و عقلانی مبارزه علیه آن‌ها را بررسی می‌کنیم و این راه حل‌ها را با آن‌چه از طرف حاکمیت کنونی انجام گرفته رودرو قرار می‌دهیم.

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند ایران برای هرکس که کوچکترین آشنایی به اوضاع جهان امروز ما داشت روشن بود که امیرالاست جهان‌نخور که موجودیتش به‌غارت منابع نفتی منطقه خلیج فارس بستگی دارد، به هیچ‌قیمتی با انقلاب ایران که دارای محتوی و ماهیت عمیقاً ضد امیرالاستی و مردمی بود آشتی نخواهد کرد. کاملاً روشن بود که همه رژیم‌های وابسته به امیرالاست در سراسر جهان و به‌ویژه رژیم‌های ارتجاعی وابسته به امیرالاست در منطقه‌های ایران (اسرائیل، مصر، پاکستان، عربستان، ترکیه، عمان، بحرین، امارات عربی) که پایه‌های حاکمیت خائنه جابرانه‌شان با انقلاب ایران به‌لرزه درآمده بود، تمام نیروی خود را برای درهم شکستن این انقلاب به‌کار خواهند انداخت و از ترس سربت انقلاب ایران به‌کشورهایشان هر روز بیشتر خود را در اختیار غروب امیرالاستی قرار خواهند داد.

روشن بود که حداقل خواست و مبرم‌ترین هدف این دشمنان انقلاب ایران، بازگرداندن اوضاع دوران طاغوت به ایران، یعنی تجدید کامل وابستگی سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی ایران به نظام متعفن غربی است.

امیرالاست جهان‌نخور به سرکردگی امریکا نمتنها پس از پیروزی انقلاب، بلکه از همان روز‌هایی که جنبش انقلابی ایران روبرو می‌رفت و دورنمای درهم‌شکسته شدن رژیم طاغوتی نمایان می‌شد نقشه سرکوب انقلاب ایران را می‌کشید. افشاکاری‌های سولیان (آخرین فرماندار امریکایی ایران دوران طاغوت) در روزهای اخیر به‌خوبی نشان می‌دهد که نقشه درهم‌شکستن جنبش انقلابی ایران از راه یک کودتای نظامی به‌هیچ‌وجه نقشه‌زای نیست. این همان نقشه‌ای است که در ایران سال ۱۳۳۲ و پس از آن در اندونزی، در سودان، در شیلی، در پاکستان، در ترکیه، در آرژانتین و ده‌ها کشور دیگر به‌موقع اجرا درآمد.

پس، از همان لحظه اول پیروزی انقلاب کاملاً روشن بود که انقلاب عمیقاً ضد امیرالاستی

عدا از همه نیروهای راستین وفادار به انقلاب یگانه راه رستگاری است

ایران انقلاب میهن ما گین تر میشود

ممکن بود که ضدانقلاب و عناصر ماجراجو و آشوب طلب رامنوی ساخت و امکانات توطئه و آتشافروزی را از آنان گرفت. به نظر ما هنوز هم دیر نشده است. حزب توده ایران پیوسته به این نکته تکیه کرده است که حل مسئله کردستان و به طور کلی حل مسئله ملی، و در ارتباط با آن غیرممکن ساختن تلاشهای امپریالیسم و ضدانقلاب در جهت بهره گیری از این مسئله به سود خود تنها از راه صلح آمیز، از راه برسمیت شناختن حقوق واقعی این خلق های محروم، تنها از راه پایان دادن به محرومیت های ملی، از راه احترام به زبان، مذهب و سن و پذیرفتن حق انسانی اداره خود برای این خلق ها در چهارچوب ایران واحد با دولتی مرکزی، در چهارچوب تأمین حقوق دموکراتیک برای همه مردم ایران امکان پذیر است. تاریخ نشان خواهد داد که عدم توجه به این پیشنهاد حزب ما تا چه حد برای انقلاب ایران گران تمام خواهد شد.

بمنظر ما در چنین چهارچوبی سرکوب جریتمندی های ضد انقلاب در این مناطق ملی به آسان ترین شکل و با کمترین نیرو امکان پذیر است.

تدارک در برابر محاصره اقتصادی

توسل بمحاصره اقتصادی از سوی امپریالیسم برای به زانو درآوردن انقلاب ایران مسلم و حتی بود. وجود نظام مستقل اقتصادی و سیاسی در ایران - تکیه می کنیم در ایران - با موفقیت منحصر به فرد سوق الجیشی اش برای امپریالیسم جهانی بمرکز کردی آمریکا، هم در زمینه اقتصادی و هم در زمینه نظامی نه امروز و نه فردا و نه پس فردا قابل تحمل نیست.

ایران، الجزایر و تانزانیا نیست. اگر محاصره اقتصادی کوبا از سوی آمریکا حتی پس از پانزده سال در شرایطی که تغییر نظام سیاسی آن کشور دیگر جزو محالات به شمار می آید، ادامه دارد، فشار اقتصادی امپریالیسم بر ایرانی مستقل تنها وقتی قطع خواهد شد که راه برای تجدید وابستگی اقتصادی و به موازات آن وابستگی سیاسی و نظامی و فرهنگی ایران به غرب امپریالیستی باز شده باشد و با لاقط مانند دوران دولت لیبرال امید زیادی به باز شدن آن موجود باشد.

یک لحظه با دقت بپایان گفته برزیل در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۹ توجه کنید "برزیل که در جمع شورای امور جهانی در لوس آنجلس سخن می گفت به موضوع ۵۲ گروگان امریکایی در تهران و عملیات نافرمان کوماندوهای امریکایی در ایران اشاره ای نکرد. برزیل چندین بار امنیت ایران و افغانستان را برای امنیت کشورهای غربی مورد تأکید قرار داد. برزیل گفت اگر این منطقه منفجر شود... توازن قدرت در جهان نه تنها بطور عمده بلکه بطور تغییرناپذیری از بین خواهد رفت" (نقل از روزنامه جمهوری اسلامی ۲۱ اردیبهشت ۵۹).

درست توجه کنید: امپریالیسم آمریکا تحکیم جمهوری اسلامی را در ایران و جمهوری دموکراتیک خلق را در افغانستان عامل انفجار در منطقه می داند و این انفجار را برای جهان امپریالیستی فاجعای جبران ناپذیر به حساب می آورد.

آیا این اعتراف صریح بلندگویی عمده امپریالیسم آمریکا کافی نیست که بپایان نتیجه برسیم که هرگونه تلاش برای ناتوان ساختن و برانداختن جمهوری اسلامی در ایران و جمهوری دموکراتیک خلق در افغانستان تنها به سود تحکیم مواضع امپریالیسم آمریکا، دشمن شماره یک هم محرومان جهان و دشمن شماره یک انقلاب ایران تمام می شود. هرکس غیر از این بیندیشد، اگر هم نسبت به هدف های انقلاب ایران صادق باشد، از واقعیات سیاست جهانی ناگفته است و هنوز امپریالیسم را نتوانسته است. این فرضیه هم که گویا تضادهای درونی در دنیای امپریالیستی آنقدر شدید هستند که می توان بدون "وابستگی" از این تضادها بهره گیری کرد و محاصره اقتصادی آمریکا را با کمک کشورهای امپریالیستی اروپای غربی و ژاپن درهم شکست در جریان رویدادهای ماه های اخیر نارسایی خود را نشان داد. استفاده عملی از تضادهای درونی قدر قدرتهای امپریالیستی تنها در مواردی امکان پذیر می شوند که منافع حیاتی مجموعه دنیای امپریالیستی در خطر نباشد. فراموش نکنیم، بازم فراموش نکنیم و صدبار فراموش نکنیم که ایران مستقل و آزاد و غیر وابسته با نظام "ضد امپریالیستی و مردمی جمهوری اسلامی" در مرحله "کوشی تاریخ جهان که هستی کشورهای رشد یافته امپریالیستی با منابع نفتی خلیج فارس وابستگی تعیین کننده پیدا کرده، برای مجموعه این دنیای امپریالیستی تهدیدی جدی است. بی دلیل نیست که ما شاهد این واقعه هستیم که در مورد فشار به ایران و توطئه برای برانداختن رژیم انقلابی در افغانستان، بطور بی سابقه ای در ده سال اخیر جبهه کشورهای امپریالیستی یکپارچگی به خود گرفته است. شناخت این واقعه باید تعیین کننده سیاست کوتاه مدت و درازمدت اقتصادی ایران باشد.

جمهوری اسلامی ایران به پیروی از این واقعه باید بی درنگ پس از انقلاب پیروزند و با لاقط پس از تجربه دردناک دولت سازشکار لیبرال، و با پس از آغاز اعمال محاصره اقتصادی و بیروتنی آشکار و عهد شکنانه کشورهای امپریالیستی اروپای غربی و ژاپن به این سیاست، تصمیم قاطع خود را برای رویارویی با آن می گرفت و با اقدامات جسورانه در جهت گسترش و تحکیم مناسبات دامن دار اقتصادی به منظور رفع نیازمندی های فوری و ایجاد زمینه برای پیشرفت های آینده با آن کشورهای که آماده همکاری های اقتصادی با ایران بودند و در درجه اول با کشورهای سوسیالیستی، کشورهای ضد امپریالیستی آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین و بالاخره با کشورهای غیر وابسته به امپریالیسم این تجاوز آشکار دشمنان انقلاب ایران را با ناگامی روبرو می ساخت. با گزینش چنین سنگبری در زمینه مبارزه با محاصره اقتصادی امپریالیست ها با بهره گیری از امکانات استثنایی مساعد که درآمد کلان ارزی از نفت یکی از آنها است، بدون تردید بخش عظیمی از مشکلاتی که امروز گریبانگیر اقتصاد کشور ما در همه زمینه ها است، وجود نداشت و ایران می توانست با پیروزی پیروزمندان به تهدیدات غارتگران جهانی پاسخ گوید. ولی با گال تاسف آنچه را که با شاهد آن هستیم از یک چنین سیاست عقلانی کاملاً به دور است. پایه مناسبات اقتصادی خارجی میهن ما را هنوز هم امید واهی و سخیف به برقراری مناسبات

جمهوری اسلامی ایران، نه در ماه های تدارک مقدمات که این نهادها بوجود آمدند، مناسفانه نه تنها نقشه دشمنان انقلاب در زمینه های ۸ گانه یاد شده تنظیم و رویدادهایی هستند که خواسته و یا ناخواسته آشکارا انقلاب می بریزد.

توطئه

نکته برای مقابله با دشمنان روزافزون دشمنان انقلاب که آن اشاره می کنند، یعنی در جهت تقویت اتحاد عمل کرد؟ ما شاهد این پدیده دردناک هستیم که دشمنان تنها و ضد انقلاب موفق شده اند که نه تنها میان مبارزان ملی که با جان و دل از انقلاب ایران و جمهوری اسلامی شعله و سی، سان توده های مسلمانان مبارز شعله میان رئیس جمهور، میان دولت و رئیس جمهور، میان ای انقلابی - کوتاه سخن میان همه بخش های نیروهای به عنوان یک نمونه:

حزب توده ایران درست در زمانی ترتیب داده می شود زمین توطئه کودتایی امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب برای آن سهم ثابتی در کشف و خنثی ساختن این توطئه در باره توطئه کودتا و بقایای سازمان کودتاگران روشن که بخش عمده و تعیین کننده در کار هجوم به دفتر حزب امپریالیست ها و ضد انقلاب تعلق دارد و گروه نام آن ها تمام شده باز بچه یک توطئه جنایت آمیز ضد مجاوران، علی رغم آکیدترین تذکرات محکوم کننده از امام جمعه تهران و بسیاری از دیگر رهبران جمهوری ضد انقلاب در این کار فحاشانه شرکت دارد؟

جمهوری اسلامی هنوز به ابعاد این توطئه خطرناک به تنگ توجه ندارند.

تیرین افراد علاقمند به سرنوشته انقلاب حکم می کنند که بن آنجا باشد، نه در جهت دامن زدن و هر چه بیشتر لغاتی مشول کشور و روزنامه های مهم سخنگوی نیروهای میز جریتمندی های فاسد ضد انقلابی نظیر تهرانی و پارکلی امپریالیست ها افروختند، بهره گیری ناپذیر؟

بدهای جنایت آمیز خود وفادار ماندند نقطه ضعف دیوباساحت این نقطه ضعف می گویند در آخرین لحظه بریزند و محیط نظام میان نیروهای انقلاب را بازم کنند، ولی چرا مسئولان انقلاب این گونه ناگفته در می شود، می افتند؟

ب نظیر کسانی که در دستگاه تلویزیون توانستند که بیست و آماده سازند، در همه ارگان های تبلیغاتی و مکتبی بودن این سم پاشی و آتش افروزی را سازمان تا توطئه تشدید تشنجات دشمنان انقلاب سیاست امپریالیسم و ضد انقلاب با شناسایی دقیق به اوضاع تحت تاملات و موضع گیری های نادرست، هم در میان می توان در حاکمیت خواهند کوشید از محرومیت های کانون های آتش افروزی و جنگ داخلی بهره گیری کنند. توطئه امپریالیسم و ضد انقلاب با همکاری حکومت بهت امپریالیسم با بهره گیری از عدم آگاهی سیاسی و انقلابی تاریخ به چون کتیده کرد موفقیت های جدی پیدا کرده درستان وجود آمده است.

سم و بیعت عراق و ضد انقلاب برخوردار نادرست و غیر نمی عسنا "موتور بودم است - بمنظر ما اگر حاکمیت آن و معذور کلی به مسئله ملی در برابر نقاط ایران بن و منافق ترکمن نشین) با یک سیاست واقع بینانه به در انقلاب های کشورهای دیگر برخورد می کرد، کاملاً"

اقتصادی "برابرگونه" با دنیای امپریالیستی غرب تشکیل می دهد. هنوز در مقابل این دورنمای غیرقابل اجتناب در مناسبات دنیای امپریالیستی با انقلاب ایران هیچ گونه استراتژی کوتاه مدت و درازمدت مقاومت و پایداری اقتصادی پایه گذاری نشده است. مثل این که بسیاری از دولتمردان اینطور فکر می کنند که انقلاب ایران فقط "شوخوی کرده است" و به همین جهت امپریالیست ها بیخود از آن بوحشت افتادند. آنان برای آن که این بازی قایم بانک را به خیال خود گرم تر کنند به تیره کردن مناسبات سیاسی و اقتصادی ایران با اتحاد شوروی پرداختند و از این راه می کوشند تا ثابت کنند که دولت انقلابی ایران در دنیای امپریالیسم و سوسیالیزم اتحاد شوروی گوی سبقت را حتی از ضیاء الحق و سادات و دمبول هم خواهد بود. و چنین سیاست مهلک برای انقلاب ایران، چنین خدمت به پایداری خط برزیل در دنیای امپریالیسم و سوسیالیزم درمی آید که توطئه های جنایت آمیز امپریالیست ها علیه انقلاب ایران به اوج خود رسیده و کودتا پس از کودتا در کار دیده می شود و زمینه حمله همه جانبه نظامی به جمهوری اسلامی آماده می گردد. در نتیجه این سیاست غیرواقعه بینانه و تحت تاثیر اقدامات خرابکارانه عوامل دشمن از یک سو و سرمایه داران بزرگ متقابل به سازش با غرب امپریالیستی از سوی دیگر که در حقیقت عمده ترین شراب های اقتصاد ما و بویژه تجارت خارجی و توزیع داخلی کشور را در دست دارند، مشکلات اقتصادی نگرانی آوری رشد یافته و هر روز بیشتر رشد می یابد. تنها با تغییر بنیادی سنگینی در سیاست اقتصادی بر پایه گسترش مناسبات اقتصادی با دنیای ضد امپریالیستی و مستقل می توان در مقابل فشار روزافزون و پایان ناپذیر امپریالیست ها پایداری کرد. راه دیگر راه تسلیم به خواست های اساسی امپریالیسم جهانی یعنی تجدید وابستگی سیاسی و نظامی و اقتصادی ایران به امپریالیسم یعنی تبدیل ایران به پاکستان و ترکیه و عربستان دیگری است. ما فکر می کنیم که راه سونی برای ایران - تکیه می کنیم - برای جمهوری اسلامی ایران باحتیوای عمیقاً ضد امپریالیستی و مردمی اش - وجود ندارد هر راه دیگر انقلاب ما را ناتوان خواهد ساخت و زمینه را برای کامیابی توطئه های ضد انقلاب آماده خواهد کرد.

سیاست خارجی ایران در جهت تحکیم انقلاب ایران نیست

به یاد بیاوریم که در مرداد ماه سال گذشته یعنی مدت ها پیش از رویداد اشغال جاسوسخانه و رویداد افغانستان، برزیل که در ماه های پیش از پیروزی انقلاب دستور تدارک کودتای نظامی را به سولیمان و زینال هوزیر داده بود، از طرف گارتز به وزارت خارجه آمریکا و بوسلیه وزارت خارجه به کارکنان جاسوسخانه و امیران نظامی و نزهت ها و نظایر آن ها دستور می دهد که: "رئیس جمهور همچنین خاطرنشان ساخته است که لازم است جو سول و عدم اعتمادی را که بین ایران و همسایگانش وجود دارد مورد بهره برداری قرار داد. رئیس جمهور معتقد است که پایان حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی خمینی خصوصاً توسط اتحاد جماهیر شوروی حتماً به تضعیف مواضع سیاست خارجی رژیم خمینی منجر خواهد شد."

توجه کنید به کلمه "حتماً" - امپریالیسم آمریکا اطمینان دارد که اگر کارگزاران و "دوستان" و "ارادتمندان" بتوانند مناسبات ایران و شوروی را که به طور همجانبه از انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی می کند تیره سازند و شرایطی را بوجود آورند که اتحاد شوروی دیگر این پشتیبانی را ننماید این امر "حتماً" به تضعیف مواضع سیاست خارجی رژیم خمینی یعنی انقلاب ایران خواهد انجامید.

حال بیاییم و منصفانه سیاست عمل شده بوسلیه بزده ها، چمران ها، قطب زاده ها را در ارتباط با این "رهنمود" ارزیابی کنیم. بیاییم و عمل کنیم که با هزار خوار چسب و با بهره گیری از سم پاشی جریتمندی کثیفی مانند رنگی زرد و خود فروختگی گشتند مناسبات ایران و اتحاد شوروی را برای "پایان دادن به پشتیبانی اتحاد شوروی از انقلاب ایران" تیره سازند، مورد قضاوت قرار دهیم. این ها همانهایی هستند که با ناگفته ماندن بزده ها و چمران ها و قطب زاده ها برای هموار کردن راه سازش و تسلیم به آمریکا گام برمی دارند و با ناگفته ماندن از مواضع کور ضد کمونیستی عمل می کنند که در هر حال نتیجه یکی است. این ها و همکارانشان در تمام دوران پس از پیروزی برای جلوگیری از نزدیکی انقلاب ایران با پشتیبانان و دوستانش کوشش به عمل آورده اند، در راه گسترش مناسبات ایران با کشورهای ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی جبهه پایداری عرب یعنی الجزایر، سوریه، لیبی و جمهوری دموکراتیک یمن جنوبی و حتی جنبش آزادیبخش فلسطین سنگ انداخته اند، و در عوض صمیمانه ترین مناسبات را با حکومت های مطلقاً وابسته به آمریکا مانند پاکستان و گروه های افغانی وابسته به آمریکا برقرار کرده اند.

زیربسیار چنین سیاستی است که پاکستان به مرکز شماره یک فعالیت توطئه گرانه "سیا" علیه انقلاب ایران درآمده است و سفارت پاکستان در ایران، به عنوان کارگزار مستقیم سیای آمریکا، مرکز جمع آوری اطلاعات برای "سیا" و برقراری ارتباط میان مرکز لاهور و عناصر و گروه های وابسته به آن در ایران گردیده است.

هموار نمودن راه سازش با امپریالیسم آمریکا و دشمنی آشکار با کشورهای سوسیالیستی و بویژه اتحاد شوروی و سکنداندازی در راه گسترش مناسبات با کشورهای جنبش های ضد امپریالیستی، سنگینی عمده سیاست خارجی "لیبرال ها" را که وزارت خارجه ایران را از پیروزی انقلاب تا کنون قبضه کرده اند و هنوز هم در دست دارند، تشکیل می دهد.

خوشبختانه جنبش کمونیستی جهانی و کشورهای سوسیالیستی که تجربه بیش از صمت سال مبارزه با ترغندهای امپریالیسم را پشت سر دارند در این دام های ناشایسته نمی افتند. هر قدر قطب زاده ها علیه کشورهای سوسیالیستی تحریک کنند، هر اندازه بزده ها زور و تلاش به کار برند که برای کودتای امریکایی در ترکیه که هدف عمده اش تدارک حمله نظامی آمریکا علیه انقلاب ایران و تحکیم مواضع آن علیه اتحاد شوروی است و به همین مناسبت "ضیاء الحق" اولین تبریک بگویند به آن است، بطور خنده آوری موافقت شوروی را "جاسازی" نمایند، هر قدر رنگی های خود فروخته کوشش کنند با "احتمالات" خود فروخته های دیگری مانند خودش ایهاماتی در همان جهت بوجود آورند، ما اطمینان داریم که در مناسبات دوستانه و پشتیبانی همه جانبه و بی هیچگونه چشمدانست کشورهای سوسیالیستی نسبت به انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران تا روزی که این انقلاب در مواضع ضد امپریالیستی و مردمی کوشی اش، بعضی در خط امام خمینی گام برمی دارد، تغییر پیدا نخواهد شد و روسیاهی برای همه پاداه کنندگان خط برزیل، برای همه "مخترعین" سازش دو ابر قدرت" باقی خواهد ماند. بگذار تاریخ قضاوت کند که آیا ارزیابی ما درست است و یا احکام صادره از طرف "منظر بقاشی" های کنونی.

تاسف عمیق، در این است که بر اثر سی سال تلفات نوم رژیم آریامهری وابسته به امپریالیسم و ادامه وابستگی تمام سیستم خیری جمهوری اسلامی به رسانه های گروهی غرب یعنی وابستگی به همان منابع دوران آریامهری و سی اطلاعاتی مطلق از اوضاع جهان حاضر و تحولات بنیادی که در ۶۰ سال اخیر و بویژه در دوران پس از جنگ جهانی دوم رخ داده است، بسیاری از عناصر انقلابی شرافتمند و صادق در این دام گسترده شده بوسله امپریالیسم می افتند و قدرت بیرون آمدن از آن را ندارند.

آیا رویدادهای چندماه گذشته، دو کودتای نافرمان امریکایی در اردیبهشت ماه و تیرماه، اعتراضات مزدوران کودتاجی، حوادث عرب کنور، کودتای امریکایی در ترکیه، روشن شدن نقشه در صفحه ۶

کارگران لحاف دوزان محروم ترین زحمتکشان اند

بسته است، ما مزد نداریم...
از میزان دستمزدشان می پرسیم... می گویند:
قبلاً ۲۲-۲۳ تومان برای هر لحاف می گرفتیم
ولی اعتبار کردیم و سر کار نرفتیم... شایک به-
اداره کارنوشتم، درخواست بیمه کردیم، ولی آنها
طرف استاد کار را گرفتند... و به ما گفتند حق ندارید
اعتصاب کنید... به ضرر مملکت است... ما گفتیم خوب
مان می دانیم که اعتصاب کردن در این موقع بهتر
مملکت است... ولی مزد ما هم خیلی کم است... با
این گرانی به هیچ کجا بیان نمی رسد... بیمه هم نیستیم
الان من جوانم و می توانم کار کنم... چند سال دیگر
کماز کار افتادم... چه کسی خرج خانواده مرا میدهد؟
در این کارگاهها وضع بهداشت در شرایط
بسیار افتناکی است... بیماریهای رایج... کمدرنتیجه
تاسی زیاد با پنجه و پشم های آلوده و گرد و غبار...
حاصل از آن... حوالا کارگران را دچار بیماری های
تنفسی می کند... اغلب کارگران دچار سردرد شده اند...
کف دستهای کارگران در اثر فرورفتن سوزن به آن
چرکین شده است... کارگران معمولاً چون از کودکی روی
لحاف خم می شوند و می دوزند... دچار رتد غیر-
طبیعی مهربه های پشت و قوز شده اند... بازارهای پستان
به علت طرز خاص نشستن روی زمین و کار کردن آب
آورده است... همچنین دچار بیماری های چشم ناشی
از محیط گرد و غبار و سوزن زدن شده اند...
در کارگاههای پنجه زنی هستیم... گرد و غبار
ناشی از پنجه تمام نما را پاشانده است... کارگاه
بسیار تاریک است و هیچ پنجره ای برای ورود نور ندارد...
در پشت دستگاه پنجه زنی کارگری کار می کند... با او
صحبت می کنیم...
اسم من نعمت است... من از ۸ سالگی شروع
بفکار کردم و به علت اینکوضع خانوادگی ام خوب
نمونه... مجبور به کار کردن شدم... الان ۲۳ سال
دارم و ۱۵ سال است که اینجا کار می کنم... شرایط
محیط کار در اینجا خوب نیست... مانه بهداشت نداریم
و نه وسایل ایمنی... به علت نبودن بهداشت... کار-
گرانی را داشتیم که به سل مبتلا شده اند... چون
وسایل ایمنی در این کارگاه وجود ندارد... بعضی از
کارگران که در پشت موتور پنجه زنی کار می کرده اند...
به علت نداشتن تجربه و حفاظت دستگاه... موتور...
انگشتان آنها را قطع کرده است... چون بیمه نیستیم
اگر اتفاقی برایشان بیفتد... مجبوریم خودمان پول
مداواری برداریم... ما از دولت می خواهیم موضوع ما
رسیدگی کند... میزان حقوق ما ۶۰ تا ۸۰ تومان است...

کارگران لحاف دوزان محروم ترین زحمتکشان اند
عده آنها در نهار به صدها نفر می رسد... که بیشتر
آنها را کودکان خردسال ۱۴ تا ۱۵ ساله تشکیل می دهند...
برخی از این کودکان ۲-۳ سال به مدرسه رفته اند...
ولی به علت وضع خانوادگی... اجباراً مدرسه را ترک
کرده و به کار مشغول شده اند...
این زحمتکشان دارای هیچگونه تشکیلات صنفی
نیستند... این امر در رژیم سابق... به علت خصلت
ضدکارگری آن... تا اندازه ای توجیه می شد... سرمایه-
داران و کارفرمایان هر وقت که تصمیم به اخراج کارگران
می گرفتند... بدون هیچ دغدغه ای این کار را انجام
می دادند... اما کارگران در رژیم نوسید جمهوری-
اسلامی ایران انتظار دارند که از امنیت شغلی به مراتب
بیشتری برخوردار گردند...
با کارگران لحاف دوزی نهار به گفتگو نشسته ام
و از وضع کار آنها می پرسیم... می گویند:
در این مغازه ۶ کارگر هستیم... که ۳ تا همان
کفتر از ۱۴ سال سن دارند... روزی ۱۵ لحاف بزرگ
یا ۲۰ لحاف کوچک می دوزیم... هر لحاف بزرگی که
می دوزیم... ۲۲-۲۳ تومان اجرت می گیریم... چند
روز پیش درخواست کردیم تا مزد ما را زیاد کنند...
ولی استاد کار موافقت نکرد و ما را تهدید به اخراج
کرد... به اداره کار شکایت کردیم... هم برای بیمه و
هم برای مزد... ولی نتیجه مطلوب را نگرفتیم...
از وضع بیمه آنها می پرسیم... می گویند:
ما بیمه نیستیم... قبلاً در زمان طاغوت که
می آمدند ما را بیمه کنند... استاد کار به ما می گفت:
بروید بیرون از مغازه که بیمه ای ما آمدند و ما هم می-
رفتیم...
چند ساعت در روز کار می کنید؟
کار ما ساعتی نیست... ما تکدوژی می کنیم...
یعنی به تعدادی که لحاف می دوزیم... مزد می گیریم...
روزهای جمعه و تعطیل و عیدها هم هیچ مزدی نمی-
گیریم...
مناهل هستی یا نه؟
من ۲۸ سال دارم... زن و بچه هم دارم... از
وقتی که بچه بودم... اینجا کار می کردم... الان
وضع بهتر است... آن وقت ها... تا قبل از اینکه به
سربازی بروم... اصلاً مزدی نمی گرفتیم... پادام است
۲ سال تمام کار کردم... بعد استاد کار یک کت و
شلوار قرمز راه راه سیاه بازاری و یک جفت کلاه بند
رنگی برایم خرید... بعد... از سربازی هم که برگشتم
دو باره مزد سر کار...
چرا کارگاهها متعادل و بهرکدرست حسابی ندارند...
برق ندارند... سفیدکاری نشده؟
آقا... کارگاه لحاف دوزی است دیگه... تازه
الان تابستانه و هوا خوب است... زمستان ها آنقدر
سرد می شود که ما ول می کنیم و می رویم به دهات و
کارهای دهات را انجام می دهیم... یا به شهرهای
گرسیری مثل بندرعباس می رویم...
در این کارگاه... مانند سایر کارگاهها... کارگران
کم سن و سال فراوان به چشم می خورند... که هر کدام
در روز ۱۰-۵ تومان مزد می گیرند... این کودکان
به جای اینکه به مدرسه بروند... به لحاف دوزی
مشغول اند... وقتی از آنها می پرسیم... چرا به مدرسه
نرفتاید... یکی از آنها می گوید:
پدرمان نمی گذارد... ما می آیم کار می کنیم
و کمک خرجی برای پدرمان در می آوریم... روزی ۱۰
تومان به من می دهند... ولی بقیه روزی ۵ تومان
می گیرند... چون من مدت زیادی است که کار می کنم...
بهرام می گوید:
من ۱۲ ساله ام و ۹ سال است که در اینجا
کار می کنم... وارد کارگاه دیگری می شوم و با یک کارگر ۲۱
ساله صحبت می کنیم... می گویند:
روزی ۵۰ تومان خرج خانه می دهم... ۳۰۰-
۲۰۰ تومان هم خرج هیکل خودم است... هرچقدر کار
کنم... روزی ۲۵-۲۰ تومان بیشتر نمی شود... که به
هیچ جا هم نمی رسد... لحاف دوزی خیلی سخت است
آنقدر باید دور یک لحاف بگردیم و سوزن بزنیم که
سرمان کج می خورد...
از وضع بیمه می پرسیم... می گویند:
بیمه نیستیم... الان ۲ سال است که مریض
هستم... پنهانی ام درد می کند و جرک کرده ام...
چقدر پول دوا و دکتر داده ام... حتی برای دکتر به
تهران هم رفتم... به خدا پول یک نسخه ام ۶۰۰
تومان شده است... الان من جوانم... ۲۱ ساله ام و ۱۶
سال است که دارم کار می کنم... اگر یک روز کار نکنیم...
مزد نداریم...
از حق مسکن... بازنشستی... عیدی... پاداش
حق اولاد و مزایای دیگر اصلاً خبری نیست... کارگری
می گویند:
زمان انقلاب یک سال بیکار بودیم... کسی
نمی داد پکوبید... این یک قران را بکسیر و خرج کن...
گفتم بعد از انقلاب وضعمان بهتر می شود... ولی
بهتر نشده... حالا هم هر روز که تعطیل است و بازار

فشار دشواری ها بر انقلاب میهن ما

بقیه از صفحه ۵

ماهیت اکثریت مطلق گروه های به اصطلاح مبارز افغانی درواستی به امریکا... فاش شدن
نقش خائنانه دولت کودتایی پاکستان... نقش دولت عراق در توطئه های ضدجمهوری اسلامی
از یکسو و آمادگی کشورهای سوسیالیستی به هرگونه کمک اقتصادی و سیاسی به جمهوری اسلامی
ایران و پشتیبانی بی دریغ جنبش کمونیستی سراسر جهان به عنوان یگانه نیرویی که با تحلیفات
امپریالیستی روبرویی می کنند از سوی دیگر هنوز کافی نیست که برای مبارزان راستین انقلاب
ایران در حاکمیت کنونی زبان ها و خطرات آن سیاست خارجی که به وسیله بزبدها و قطب زاده ها
اعمال شده هنوز ادامه دارد روشن گردد؟... چرا رهبری انقلاب تحمل می کند که در چنین شرایط
حساس تاریخی که انقلاب... از سر می گذرانند عمال امپریالیسم... لیبرال ها و سازشکاران هنوز
اهرم های سیاست خارجی ایران را در دست داشته باشند و با عمل خود خط کارتر-برزیسکی را
علیه انقلاب ایران آن هم به این آشکاری و بی پروایی پیاپی می کشند؟ اینها پرسش هایی است که تاریخ
ایران در برابر حاکمیت کنونی جمهوری اسلامی ایران مطرح خواهد کرد...

تشکیل جبهه متحد خلق

یگانه پاسخ عقلانی به خواست های مردم انقلاب ایران است

اولین خواست و تمناي دوستانه از همه مبارزان راستین این است که کلمه "خلق" را به بازی
نگیریم... کلماتی مانند خلق... مردم... توده کلمات مقدسی هستند که نباید برای هدف های گذرای
سوداگرانه سیاسی به بازی گرفته شوند... ارتجاع جهانی در تمام تاریخ همه مدعات توده های
زحمتکش و محروم را به بازی گرفته است... ما امروز بیش از هر وقت شاهد هستیم که چگونه امپریالیسم
و ارتجاع جهانی "اسلام" را به بازی گرفته و با ترویج اسلام امریکایی و تحقیر و تخفیف اسلام
واقعی... اسلام مبارز... اسلامی که امام خمینی نلسدگوی آن است می گویند تا محرومان مسلمان جهان
را علیه انقلاب شگوهند میهن ما... علیه جمهوری اسلامی ایران تجهیز نمایند...
"جبهه متحد خلق" جبهه نیروهای راستین وفادار به هدف های استقلال طلبانه... آزادخواهانه
و مردم دوستانه انقلاب ایران است... هنگامی که توده های محروم... پابرهنگها و جوانان مبارز به
تانک های آریامهری یورش می بردند و سینه های خود را در مقابل مسلسل ها سیر می کردند کسی
از کسی نمی پرسید که اعتقادات فلسفیات چیست... چرا حالا که فرمان امام خمینی برای بسیج
هنگانی به منظور تقابله با تجاوز نیروهای جهانی امپریالیسم و ضد انقلاب به مرحله اجرا در
می آید و مبارزان راه استقلال و آزادی به صفوف بانداری و مقاومت می پیوندند و می خواهند
خود را برای یورش به تانکها و مقابله با مسلسل ها و بمبها آماده سازند... با این سوال روبرو
می شوند که عقیده فلسفیات چیست؟ همه آن ها که در این آب و خاک زندگی می کنند حق
زندگی دارند و حق دارند از این زندگی با جان خود دفاع کنند... چرا و برپایه کدام "حق"
مبارزان مسلمان این حق را از بخش بزرگی از مبارزان می گیرند... انحصارطلبی در اشغال مقامات
دولتی و مواضع کلیدی می تواند قابل فهم باشد... ولی انحصارطلبی در حق دفاع از میهن...
انحصارطلبی در حق دفاع از آزادی و استقلال ملی دیگر چرا؟ این انحصارطلبی دیگر اصلاً
قابل فهم نیست... این انحصارطلبی بیمارگون و خطرناک است و منشاء این بیماری همان سم
خطرناک نفاق و جدایی است که ارتجاع در طول تاریخ بشری همیشه برای تائین حاکمیت خود
در میان محرومان پستی کرده است...

همین طور است برخورد با حق اظهار نظر... با حق شرکت در پیدا کردن راه حل برای مشکلات...
در این جا هم بیماری انحصارطلبی به شدت وجود دارد و منشاء بیماری نیز همان سم جدایی افکن
ارتجاعی است

هراندازه که در دوران تدارک انقلاب و به ویژه در جریان آخرین مراحل نبردشیرینی اتحاد
کام مردم میهن ما را نوازش داد... همان اندازه هم در بیست ماهی که از انقلاب می گذرد شلاق
جدایی ها... دشمنی های ناشی از جاه طلبی و انحصارطلبی و خودخواهی بدن انقلاب ما را محجور
ساخته است... انقلاب ایران در این مرحله "خطرناک" از موجودیتش می طلبد که با این بیماری
خطرناک "انحصارطلبی" در زمینه "خدمت به انقلاب" بطور جدی و همه جانبه مبارزه شود و به
همه نیروهای وفادار به هدف های انقلاب ایران امکان داده شود که همه توان خود را در راه
ثبوت و تحکیم و گسترش این انقلاب شگوهند بکار اندازند... این خواست انقلاب و این آرزو
و حق همه مبارزان تنها در چهارچوب "جبهه متحد خلق" می تواند به واقعیت تبدیل شود... در
جبهه متحدی از همه نیروهای راستین وفادار به انقلاب... صرف نظر از اختلاف ها و تفاوت هایی
که در نظرانشان و ارزیابی هایشان و دیدگاه هایشان وجود دارد... امروز انقلاب ایران را جبهه
نامیوم و جهنی متحدی از امپریالیست های جهانخوار و حکومت های ارتجاعی منطقه و ضد
انقلاب ایران به شدت تهدید می کند... مبارزه همه جانبه با این دشمنان انقلاب ایران... چهارچوب
برنامه جبهه متحد خلق را بوجود می آورد... بگذارد اتحادی بهناور و همه گیر بر این پایه بوجود
آید تا از تجدید سلطه جابرانه انحصارهای غارتگر امپریالیستی... از تجدید سلطه غارتگرانه
سرمایه داران و زمین داران وابسته... از تجدید سلطه ساواک... جلوگیری شود و از نظام جمهوری
اسلامی ایران برپایه انون اساسی دفاع بعمل آید...

در چهارچوب جبهه متحد خلق است که می توان به بهترین وجه همه نیروهای راستین
انقلاب را تجهیز کرد و به مؤثرترین شکل با پیوند دادن و بهم آمیختن امکانات این نیروها
آنانرا برای سازندگی بیکار بست...

در چهارچوب جبهه متحد خلق است که می توان به درست ترین شکل همزیستی مسالمت آمیز
و همکاری نیروهایی را که در زمینه های گوناگون برخورد به مسائل اجتماعی و فکری باهم اختلافاتی
دارند ولی در زمینه دفاع از دستاوردهای انقلاب از اتفاق نظر برخوردارند... تائین نمود...
سخن کوتاه: در چهارچوب جبهه متحد خلق است که می توان به بهترین شکل دفاع در مقابل
تجاوز فطع نشدنی دشمنان انقلاب را سازمان داد و برنامه بازسازی و نوسازی و پیشرفت اجتماعی
جامعه را به پیش برد...

با این که نام "جبهه متحد خلق" و برنامه آن... از طرف بخشی از نیروهایی که بالقوه از
عناصر اصلی تشکیل چنین جبهه های هستند هنوز هم به بازی و مسخره گرفته می شود... ولی کلاماً
محسوس است که به ویژه در ماه های اخیر... فکر و لزوم چنین جبهه های در ایجاد گوناگون و به
اشکال مختلف بخش بزرگتری از مبارزان راستین راه انقلاب ایران را به خود مشغول می سازد...
ما اطمینان داریم که آنچه امروز به "توحی" گرفته می شود... فردا یا پس فردا به واقعیت نیرومند
جامعه انقلابی ایران بدل خواهد شد و روزی خواهد رسید که مبارزان مسلمان و یوبندگان راه
طبقه کارگر یعنی هواداران سوسیالیسم علمی در جبهه متحدی برای ساختمان جامعه نوین
میهن ما... دوش هم دوش هم میدان های نبرد اجتماعی روانه شوند...

مکن است در فاصله رسیدن به این فردا و پس فردا هنوز محرومان میهن ما مجبور باشند از
سکلاخچای دشواری بگذرند و رنج های فراوانی را تحمل نمایند ولی آنچه مسلم است... این است
که به این فردا و پس فردا خواهیم رسید...
حزب تودما ایران با تمام نیروی خود برای هموار کردن راه رسیدن به این فردای زیبا که در
آن پرچم اتحاد عقلی همه نیروهای راستین انقلاب برافراشته خواهد شد کوشش می کند و
امیدوار است که سایر نیروهای مبارز انقلابی بر همه پیش داوری های ذهنی خود چیره شوند و
در این راه کام گذارند...



ما از هفت صبح تا هفت شب کار می کنیم و فقط یک-
ساعت برای نهار خوردن می رویم... ولی این حقوق
خیلی کم است... بعضی کارگران برای اینکه در بیشتر
بگیرند... مجبورند از ساعت ۵ صبح تا ۲ غروب کار
کنند تا ۱۲۰ تومان بگیرند... از حق مسکن و حق اولاد
و سایر مزایا هم خبری نیست... ما حتی وقت تفریح
هم نداریم...
کارگران در مورد سندیکا می گویند:
"تمام کارگران علاقه زیادی به تشکیل سندیکا
دارند... ما در زمان طاغوت سندیکا داشتیم... ولی
سندیکای واقعی نبود و بیشتر کارفرما در آن دخالت
داشت... در حال حاضر یکی از علل نبودن سندیکا
ممانعت کارفرماست و یکی هم اینکه وقت نداریم...
کارگر دیگری... که خود را حسن معرفی می کند
و پشت موتور پنجه زنی کار می کند... می گوید:
روزی ۱۰ ساعت کار می کنم و ۷۰ تومان می-
گیرم... ۲۷ سال دارم... ولی کار طاقت فرسا را برتر
نشان می دهد... در این کارگاه... گرد و غبار پنجه ما
را خیلی اذیت می کند... به طوریکه من چندبیم درد
می کند و همیشه انگ می ریزد... تنگ نفس هم دارم...
روزهای جمعه که تعطیل هستیم... حقوق نمی گیریم...
مگرافاضه کار کنیم... وضع اسیدمان را به انقلاب
دوخته ایم... تا بلکه وضع ما بهتر شود... ما کارگران
در انقلاب شرکت داشتیم و حالا می خواهیم که با-
آبایش و راحتی بیشتری زندگی کنیم...
کارگران لحاف دوز می خواهند:

- ۱- ساعات کار آنها مشخص شود و به مسامت در روز تقلیل یابد.
- ۲- اگر کارگری به علت بیماری نتوانست در محل کار خود حاضر شود... حقوق وی پرداخت شود.
- ۳- به وضع بیمه و تائین اجتماعی کارگران لحاف دوز رسیدگی شود.
- ۴- دولت به خواست های برخی کارگران رسیدگی کند و شرایط زندگی آنها را تسهیل نماید.
- ۵- من بازنشستی برای همکارگران... از جمله کارگران لحاف دوز کمتر از ۶۰ سال باشد.
- ۶- کارگران خردسال با بهرامی مدرسه ها شوند جای آنها در پشت میز مدارس است.
- ۷- کارگران لحاف دور نظر سایر کارگران ایران چشم انتظارند که به کمک انقلاب فرجی در زندگیشان حاصل شود.

در جلسه علنی پنجشنبه گذشته مجلس شورای اسلامی گفته شد:

دولت امریکانمی تواند نقشه های شوم خود را عملی کند

• دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، این طایفه داران حرکت بزرگ ضد استعماری ما، لانه جاسوسی امریکارا فتح کردند و طشت رسوائی امریکا سقوط کرد

هر دستی، چه همسایه، چه غیر همسایه، بعنوان دوستی بطرف ما بیاید ما آن دست را می فشاریم

در جلسه علنی روز پنجشنبه ۳ مهرماه ۱۳۵۹ مجلس شورای اسلامی حجت الاسلام هشتمی رفسنجانی رئیس مجلس، ضمن دادن گزارش در مورد حلات عراق به ایران، اعلام کرد که جنایتکاران پست عراق حلات خود را روی مناطق غیر نظامی ایران متمرکز کرده اند.

حجت الاسلام هشتمی رفسنجانی همچنین افزود: «آنها دیروز در آبادان به مدارس حمله کردند و رئیس مدرسه را شلیک کردند، یا جمعی از دانش آموزان، اگر سر راه خود کارخانه ای ببینند، موزه اقتصادی و هر جا که احتمال تجمع بدهند، بیستنه آنها را بیابان می کنند. آنها به یادگانهای نظامی از ترس نزدیک نمی شوند. دنیا بفهمد که رژیم عراق هیچیک از موازین بین المللی جنگ را رعایت نمی کند. علاوه بر اینکه اصل اقتدارشان تجاوز بر دلیل است و با پروتزی ما را مشغول جنگ مفرغ می کنند»

رئیس مجلس آنگاه ضمن اشاره به شهادت و انضباط نیروهای ارتشی، اظهار داشت: «نظامی های ما، عقیده که تا سکن است به یک فرد عراقی بیگناه آسیبی وارد نشود»

رئیس مجلس آنگاه به هجوم مردم به سازمانهای سیخ و اسلام آمادگی آنها برای جنگ با عراق اشاره کرد و این هجوم را برسانه خواند. پس از سخنان رئیس مجلس، سخنانی از دستور نمایندگان شروع شد و در آغاز حسین هراتی، نماینده سبزوار، ضمن حمله شدید به صدام حسین، او را عروسک امریکایی خواند. نماینده سبزوار افزود: «ایران نایبگناه تمامی حمله گریها و نسیسه های امریکاست. کدامین حمله و نیرنگ را در این سرزمین پیاده نکرده چه موقع امریکا پوزماتش به خاک مالیده شد و است ما سرفراز و قهرمان بیرون آمده چه موقع دماغ امریکا تا مغز استخوان سوخته از آن لفظی که دانش جوین پیرو خط امام، این طایفه داران حرکت بزرگ ضد استعماری ما، لانه جاسوسی امریکارا فتح کردند و طشت رسوائی امریکا سقوط کرد. من پیشنهاد می کنم در این موقع که امریکا با ما در نبرد است، ما پاسخ گویند و دندان شکنی به آنها بدهیم و از این دانشجویان پیرو خط امام تجلیل کنیم و بعنوان دلاورانی که جان برکند، دومین انقلاب و بلکه به گفته امام انقلاب بزرگتر از انقلاب اول را پدید آورده اند، مجلس شورای اسلامی به آنها لقب قهرمانی اعطا کند و بزرگنامه سیاستمدان به آنها تقدیم گردد، تا امریکابانان از کسانی که این حماسه را آفریننده مجلس چطور گویند و قطع حمایت می کند»

سپس آقای طیبی نماینده اسفراین، پشت تریبون قرار گرفت، او در قسمتی از سخنان خود گفت:

«من از پشت این تریبون به دنیا اعلام می کنم که ما را اینقدر متهم نماند، ما یا هیچیک از مردم دنیا سر جنگ نداریم و ندانسته ایم. هر دستی، چه همسایه و چه غیر همسایه، بعنوان دوستی به طرف ما بیاید، ما آن دست را می فشاریم. و اگر این دست خیانت بماند، مسلما آرا اسلام تعیین کرده و ما مطابق با همان دستور عمل می کنیم. باید به دولت امریکا گفت که سخت در اشتباه بوده و هست و هرگز نمی تواند نقشه های شوم خود را عملی کند. ما سی و پنج میلیون جمعیت داریم و یک رهبر قاطع، عالم و متکی به خدا، که همه مردم ما دنباله روی او هستند»

پس از سخنانی نماینده اسفراین، یکی دیگر از سخنرانان پیش از دستور، دهمورد جنگ ایران و عراق صحبت کرد. آنگاه طبق دستور کار مجلس، بررسی دوتن از وزرای پیشنهادی دولت مورد رسیدگی قرار گرفت. در این مورد، آقای رجائی نخست وزیر، به معرفی آقای مهندس موسی خیر وزیر ستاد و سرپرست سازمان برنامه و بودجه و آقای مهندس جواد کدگولیان، وزیر نفت پرداخت.

سپس آقای مهندس موسی خیر، توسط آقای رجائی، چندتن از موافقان و مخالفان آنها سخن گفتند.

آنگاه مجلس تصویب دو وزیر را به برای گذاشت. در این رای گیری که با حضور ۱۸۲ نفر از نمایندگان مجلس صورت گرفت، آقای مهندس کدگولیان از مجموع ۱۷۲ رای داده شده، با ۱۵۶ رای موافق، ۱۸ رای مستنع و ۲ رای مخالف و آقای مهندس خیر از مجموع ۱۷۶ رای، با ۱۶۲ رای موافق، ۱۲ رای مستنع و ۲ رای مخالف رای اعتماد گرفتند. در این جلسه چندتن از نمایندگان از آقای رجائی نخست وزیر خواستند که در مورد اوضاع جنگ ایران و عراق توضیحاتی بدهد، که در جواب آنها آقای رجائی گفت: «بشرائلی که وجود دارد، بهتر است که گزارش جنگ ایران و عراق در یک جلسه غیر علنی پس از بازگشت آقای بنی صدر رئیس جمهور صورت گیرد»

پس از آن طرح دوفوریتی در مورد کسر حالیات حقوقی نیروهای مسلح کشور مورد رسیدگی قرار گرفت، که پس از بحث پیرامون آن، به عملت عدم پیش بینی محل تأمین این بودجه در طرح رسیدگی آن به جلسات آینده موکول شد. جلسه پنجشنبه مجلس در ساعت ۱۱:۴۵ دقیقه خاتمه یافت.



فشار امریکا و چین برای حفظ کرسی پول پوت خون آشام در سازمان ملل متحد

کمیته امتیازنامه های مجمع عمومی سازمان ملل تحت فشار شدید امریکالیسم امریکا و داروستانه متوقیست های پکن توصیه کرد که باصلاح دولت کامپوچیایی دمکراتیک (د) و یا به عبارت دیگر، پانده خون آشام پول پوت - ینگساری، که دستشان به خون سه میلیون نفر از مردم کامپوچیا آغشته است، کرسی خود را در سازمان ملل متحد حفظ کند.

محافل ترقیخواه در آسیای جنوب شرقی اعلام کرده اند که این تصمیم از یک سو نشان دهنده فبده و پستان امریکا و چین است و از دیگر سو نشانگر آن است که چگونه سیاست باصلاح حقوق بشر کارتی و دیگر نوکران انصارات چندملیتی تا چه حد مفتوح و برآبرو شده است.

بگفته این محافل، امریکالیسم امریکا، با حمایت از داروستانه پول پوت - ینگساری به سیاست های مظلطلبانه چین در آسیای جنوب شرقی صحنه می گذارد. از سوی دیگر، احمدول ملسکی، وزیر خارجه امریکا، هفته گذشته اعلام کرد:

«امریکا و چین از دولت کامپوچیایی دمکراتیک (د) یعنی جلالان سه میلیون انسان بیگناه از سازمان ملل حمایت می کنند. این سخنان یاد دیگر جنجال و هیاهوی پوچی را که کارتی و شرکه در یاره حقوق بشر، برای انداخته بودند، افتاده می کند. زیرا جنایات داروستانه پول پوت - ینگساری آنچنان تکان دهنده بود که حتی شخص کارتی در سال ۱۹۷۲ چندین بار به این مسئله اشاره کرده بود»

شورای انقلابی خلق کامپوچیا تنها نماینده قانونی کامپوچیاست

شورای انقلابی خلق کامپوچیا هرچه بیشتر از سوی کشورهای جهان و جنبش های آزادیبخش برسیست شناخته می شود. در پی دیدار یک هیئت نمایندگی جبهه خلق برای آزادی فلسطین از کامپوچیا، این جبهه اعلامیه ای منتشر کرد. در این اعلامیه، جبهه خلق برای آزادی فلسطین اعلام کرد که شورای انقلابی خلق کامپوچیا، برهبری هنگ سامرین، تنها نماینده قانونی خلق کامپوچیا است و هرگونه تلاش بیشترانه برای حفظ کرسی داروستانه، جنایتکار پول پوت - ینگساری در سازمان ملل متحد، محکوم است.

حزب کمونیست کانادا سیاست های دنباله روانه دولت کانادا را از امپریالیسم امریکامحکوم کرد

کمیته مرکزی حزب کمونیست کانادا در بیانیه ای سیاست محافل حاکمه این کشور را در مورد دنباله روی از سیاست امپریالیسم امریکا بر سر مسئله کامپوچیا محکوم کرد و خواستار برسیست شناخته شدن شورای انقلابی خلق کامپوچیا به رهبری هنگ سامرین و حمایت این شورا در سازمان ملل متحد شد.

این بیانیه همچنین می افزاید: «سیاست کانادا گونه پنهان و خطرناک است. کانادا باید از دنباله روی از سیاست های امپریالیسم امریکا خودداری کند»

حمله مجدد نیروهای متجاوز اسرائیل به جنوب لبنان

نیروهای متجاوز اسرائیل و دست نشاندهگان دست راستی در جنوب لبنان برای دومین بار پیاپی شهر حور در جنوب لبنان و بویژه اردوگاههای فلسطینیها را زیر آتش قرار دادند. بنا بر گزارش مطبوعات بیروت، در این حملات تاکنون صدویست خانه ویران شده و نیروگاههای برق حور از کار افتاده است. همچنین کبیر آب آشامیدنی در شهر بجهش می خورد.

بازار مشترک اروپا: افزایش مخارج نظامی، کاهش مخارج رفاهی

زمامداران بازار مشترک اروپا، در همان حال که مخارج نظامی را افزایش میدهند، مصارف اجتماعی را روز بروز کاهش میدهند. وزیران دارایی کشورهای عضو بازار مشترک اروپا، در اجلاس اخیر خود در بروکسل، برنامه های کاهش مخارج رفاهی را در سال ۱۹۸۱ تصویب کردند. در این مورد، بویژه بودجه بویژه با بیکاری کاهش خواهد یافت. هم اکنون حدود شش میلیون و هشتصد هزار نفر در کشورهای عضو بازار مشترک اروپا، بیکار هستند. اقدام اخیر بازار مشترک در کاهش مخارج رفاهی، موجب ازدیاد ارتش بیکاران خواهد شد.

آلمان فدرال مظهر

«سرکوب حقوق بشر است»

روزنامه های ترقیخواه در آلمان فدرال، تبلیغات پشیمانه رسانه های گروهی وابسته به انصارات این کشور را علیه کشورهای سوسیالیستی و بویژه لهستان انتقاد کردند. آنها همچنین تبلیغات پوچ این رسانه های امپریالیستی را که گویا آلمان فدرال مظهر حقوق بشر (۱) است، رسوا کردند. این روزنامه ها تأکید می کنند که آلمان فدرال مظهر سرکوب حقوق بشر است.

هم اکنون حدود هشتصد هزار نفر از کارگران آلمان فدرال بیکار هستند و بدین ترتیب از حق کار، که ابتدای ترین حقوق است، محرومانند. به نوشته این روزنامه ها، چهار هزار نفر برخلاف نص صریح قانون اساسی و بر طبق قانون منع تخطی، به خاطر عقاید خود از کار برکنار شده اند و دو میلیون نفر نیز مورد آزمایش قابلیت سیاسی قرار گرفته اند.

اعتصاب و اعتراض روزنامه نگاران پرتغال به جوسانوسور حاکم بر رسانه های گروهی این کشور

روزنامه نگاران پرتغال یک اعتصاب دوازده روزه را بعنوان اعتراض به سانسوری که دولت دست راستی این کشور، برخلاف موازین قانون اساسی بر رادیو تلویزیون برقرار کرده، اعلام کردند. روزنامه نگاران پرتغال امتداد دارند که دولت دست راستی این کشور برای بیروزی در انتخابات دست به سانسور شدید در رادیو - تلویزیون زده و آزادیهای اساسی را در این مورد زیر پا گذاشته است. این روزنامه نگاران همچنین خواستار برکناری آن همه از مقام های رسانه های گروهی شدند که گروهی از خبرنگاران را به خاطر عقاید آنها اخراج کرده اند.

کمک اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به کشورهای انقلابی در زمینه تربیت کادرهای متخصص

اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به کشورهای انقلابی و جوان، برای تربیت کادرهای متخصص پاری می رسانند. یک گروه بزرگ از جوانان بیکار آنگونه برای آموزش در رشته های مختلف علم شوروی شده اند. این همه در آموزشگاههای مختلف شوروی تحصیل خواهند کرد. در ماه مارس گذشته، در جریان دیدار یک هیئت از دولت انقلابی بیکار آنگونه از اتحاد شوروی، موافقتنامه همکاری های فرهنگی و اقتصادی دو کشور امضاء شد. اخیراً نیز یک هیئت آموزشی شوروی مدت دو هفته از بیکار آنگونه دیدن کرد و نیازهای این کشور را مورد بررسی قرار داد. این هیئت امکانات کمک اتحاد شوروی به تربیت کادرهای متخصص را با مقام های بیکار آنگونه مطرح کرد.

اعلامیه کانون دانش آموزان ایران: در مقابل تجاوزات رژیم بعثی عراق و توطئه های امریکایا خیزید!

نوشتماز صدچندان می کند، بگوید تا نقشه ضدانقلاب راه که قصد دارد در چنین شرایط حساسی در میان شما تفرقه و جدایی اندازد و با دام زدن به اختلافات فرمی و غیره، شما را از وظیفه سترگ کونی دور سازد، با تمام قوا خنثی کند. کلاس های درس را همچون گذشته چون سنگر نبرد علیه دشمنان انقلاب باز نگاه دارید و به پیام مهم امام خمینی در روز اول مهر توجه داشته باشید که: «در چنین وقتی که ایران در حال جنگ است با امریکا و این آلت دست امریکا به ایران تجاوز کرده است، شما اگر چنانچه برای بزرگ شدن

دانش آموزان و نوجوانان مبارزا مردم قهرمان ایران! هم اکنون رژیم فاسد مدعی بعثی عراق با پشتیبانی امپریالیسم امریکا و متحدینش، مبین انقلابی ما را مورد حملات گسترده و تجاوزات وحشیانه نظامی قرار داده است!

در چنین شرایط حساس و سرنوشت سازی است که وظیفه بسی سنگین و پرشوریتی چون دفاع و پاسداری از انقلاب و دستاوردهای آن بر دوش یسکایک هموطنان بخصوص جوانان و نوجوانان انقلابی و رزمندگان ما قرار می گیرد. دانش آموزان عزیز! فرزندان راستین انقلاب!

با صفوف متحد و یکپارچه، همچون تنی واحد و رزمنده، برای نبرد با تجاوزات رژیم بعثی عراق و توطئه های امپریالیسم امریکا و متحدینش آماده شوید! اتحاد و همبستگی، توان و نیروی شما را در این نبرد دشوار و سرنوشت ساز

هم اکنون ضدانقلاب قصد دارد تا با دودغ و شایعه پراکنی و اختلال مایحتاج مردم و ایجاد صفهای طولی در جلوی سازمانها، روحیه مردم قهرمان و انقلابی ما را تضعیف نماید. لذا شما موظفید تا با حضور خود در زمین مردمی، بخصوص اهل محل و همچنین خانواده و آشنایان خود، با اینگونه شایعات قلقلانه مبارزه و عناصر ضد انقلابی را افشاء کنید. بگوئید در همه جا سربرخیزان راستین انقلاب پانسیها! مرگ بر امپریالیسم بر سر کردگی امپریالیسم امریکا و رژیم دست نشانده بعثی عراق! بیوزیاد انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران به رهبری امام خمینی! مستحکم تریاد پیوند جنبش دانش آموزی با جنبش ضد امپریالیستی مردم ایران به رهبری امام خمینی! کانون دانش آموزان ایران ۱۳۵۹، ۲۲

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم امریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

مردم ایران اقدام خصمانه ...

ایران به شدیدترین وجه پلسخ زاده شود باید دانست که امریالیسم انگلیس، بهنگام تعیین حدود مرزهای ایران و ایران و عراق در سال ۱۹۳۷ (۱۳۱۶) با استناد به تسلطی که بر رزیمهای دست نشانده رضاخان در ایران و قیصل در عراق داشت، قرارداد یکجانبه‌ای را به ایران تحمیل کرد. با اینکه عرف و تقاضای و معاهدات بین المللی بصراحت مقرر می‌داشت که رودخانه های مرزی، باید بطور تساوی مورد بهره برداری قرار گیرد و نقطه تعیین مرز، عمیق ترین نقطه وسط رودخانه مرزی باید باشد و امر لغاره رودخانه را طریقین بطور مشترک و تساوی الحقوق بایدسد همه مدار شوند، ولی هیچک از این مقررات در معاهده بین ایران و عراق مورد توجه قرار نگرفت. سیاست امریالیسم انگلیس بر اصل «تفرقه بینداز و حکومت کن» مستتر بود. از همین جا با دادن امتیازات غیر مجاز به جانب عراق، امریالیسم انگلیس عملاً زمینه دیگری و اختلاف در کشور همسایه را پایه گذاری کرد.

طی ۳۸ سال تمام، قرارداد تحمیلی انگلیس به ایران و عراق موجب کمکت بین این دو کشور را فراهم می‌ساخت و روابط دو همسایه همگامی را تا حدی برقرار نگذاشته بود. افکار عمومی مردم ایران و مردم عراق و همچنین محافظین المللی علاقمند به حفظ صلح و همزیستی بین دول، همیشه متوجه استوار حد صلح و تساوی الحقوق و روابط دو کشور بودند. بالاخره هنگامیکه روابط عراق و ایران برسر استفاده از آبهای مرزی حدت و شدت خاصی پیدا کرده بود با مباحثه گری دولت الجزایر، قرارداد ۱۹۷۵ تهیه و تنظیم گردید، که مورد موافقت دولتی وقت ایران و عراق قرار گرفت. این قرارداد از سال ۱۹۷۵ به اجرا گذاشته شده و می‌توان گفت که در عمل نیز صحت خود را، در اینکه آبهای مرزی باید با رعایت کامل تساوی الحقوق طرفین مورد استفاده قرار گیرد، ثابت کرده است.

اکنون قرارداد ۱۹۷۵ سال پنجمی است که به اجرا درمی‌آید و در این مدت، دولت عراق نیز با موافقت اولیه و عدم اعتراض در سالهای بعدی، قانونی بودن

باید افکار ...

مردم ایران مقام شایسته‌ای در جنبشهای آزادیبخش ضد - امریالیستی کسب کرده، برای جلب هیبتگی و پشتیبانی کشورهای غیر متصد، بویژه آن کشورهای که سیاست مستقل ملی و ضد امریالیستی شخصی دارند، بایستی از این سازمان استفاده کنند. جنبش کشورهای غیر متصد استحکام بیانی اتحاد و هیبتگی میان کشورهای عضو این جنبش در برابر تجاوز و سیاست توطئه گرانه امریالیسم جهانی بمرکز کردگی امریالیسم امریکا را بنامه یکی از اصول پایه‌ای سیاست خود اعلام داشته و در اعلامیه‌ها و اسناد کنفرانسهای خود روی این مطلب تاکید کرده است. تجاوز نظامی چنانچه از سوی رزیم بعثی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، که حلقه‌ای از توطئه‌های گسترده امریالیسم امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران است، در عین حال عملی است که با منافع کشورهای مستقل ملی عضو جنبش کشورهای غیر متصد در تضاد است و بی‌توجهی مشترک آنها، یعنی امریالیسم، بمرکز کردگی امریالیسم امریکا، دولت جمهوری اسلامی ایران با توجه به این واقعیت بایستی به منظور محکوم کردن رزیم بعثی عراق و دفاع از حقانیت مواضع جمهوری اسلامی ایران در برابر تجاوز نظامی عراق، از جنبش کشورهای غیر متصد کمک بگیرد. علاوه بر این، دولت جمهوری اسلامی ایران باید از تمام سازمانهای بین المللی برای محکوم ساختن تجاوز نظامی رزیم بعثی عراق استفاده کند و با همکاری نیروهای مترقی و دموکراتیک، و دولتهای مستقل ضد امریالیست در سراسر جهان جبهه عظیمی علیه تجاوز چنانچه کارانه رزیم بعثی عراق بوجود آورد.

به این مناسبت، نمیتوان از کنفرانس کشورهای اسلامی یاد نکرد. آن کشورهای اسلامی و بویژه رزیم دیکتاتوری شاه - الحق، که برای تشکیل جلسات فوق العاده کنفرانس این کشورها برای بررسی رویدادهای افغانستان، آن همه حرارت و ابتکار از خود نشان می‌دادند، امروز که رزیم بعثی عراق با تجاوز نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران، راه پیاده کردن طرحهای توطئه امریالیسم امریکایی را بر اندازی نظام جمهوری اسلامی را هموار می‌سازد، مبرسکوت بر لب زده‌اند. اکنون برای ساخت ماهیت واقعی کشورهای که خود را اسلامی می‌نامند، محک آزمایش جدیدی بپایان آمده است. دعوت به تشکیل کنفرانس کشورهای اسلامی، برای محکوم ساختن تجاوز نظامی رزیم بعثی عراق به ایران، دوستان و دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را در میان کشورهای اسلامی، بیش از پیش آشکار خواهد ساخت.

بهر حال آنچه مسلم است اینست که، بیاید از تمام مسائل و امکانات برای تجزیه افکار عمومی جهان در محکوم ساختن تجاوز نظامی رزیم بعثی عراق به ایران و دفاع از حقانیت جمهوری اسلامی ایران استفاده کرد.

روحیه عالی ...

بیه از صحنه ۱
امریالیسم امریکاست، متانت انقلابی و روحیه عالی مبارزه جوشی با خصم تجاوزگر است. از دم برای شرکت در بسج و مراجعه جسمی و پرشور به مناسبات سازمان برای اجرای کلیه فرمانهای صادره است، همه جا فریاد خودجوشی «هرگز بر صدام، هرگز بر امریکه» است و اتحادی همگانی میلیونها جوان تهر واحد و پاس شهبانه روزی انقلاب و بیستاری که به فرمان اسلامی ایران به حال «آماده باش» درآمده‌اند.

مردم ایران در این لحظات حماسی که برپسین آنها و بر سرنوشته انقلاب بزرگ آنها می‌روند، عملاً نشان میدهند که با روحیه‌ای انقلابی، مصمم‌اند بپوزه تجاوزگر را بپنک بمانند. آنها در این لحظه تاریخی آماده فداکاری‌اند، تا سزوار تاریخ سزولیت خطیرشان در برابر تارخ همه خلقهای منطبقه گردند.

در این خیزش پرشور توده مردم حاصل قاطع در تعیین سرنوشته خلقها و نگارش تاریخها. و در این روحیه غرور آفرین و امیدبخشی که در هر جا دیده میشود، بویژه در نکه چلیبش شرکت همه مردم انقلابی است. همه کسانی که با امریالیسم امریکه و توطئه‌های گوناگون آن مخالفند و خواستار دفاع از زمین انقلابی خود هستند، با درک حاسیت و اهمیت لحظه، صرف نظر از تعلقات مسلکی و وابستگی‌های

سازمانی، دوش بندوش هم، برای غرور کردن تخته امریکائی صدام قیام کرده‌اند و می‌روند تا بار دیگر حماسه آفرین وحدت تمامی مردم زیر رهبری امام خمینی، برای پیشبرد انقلاب بزرگ ضد - امریالیستی و خلقی شوند. هر چنین وقتی که ایران در حال جنگ است با امریکه و این آلت دست امریکه تهور کرده است به ایران (امام خمینی ۳۱ شهریور ۵۹) آنها می‌روند تا شانه به شانه هم، تجاوزگر را بجای خود بستانند و سرشته جنگ - آفرینی، یعنی امریکه‌ای جهانخواه را بنامتک تاز تری دور و سازند. اتحاد همه نیروها، در این روزهای تاریخ ساز، وجه مشخصه و یکپارز عمل بهم روحیه عالی توده مردم است.

نکه دوم حضور و مشارکت خلقهای مختلف سپین واحد و تجزیه ناپذیر است، که در این روزهای حماسی، با درختندگی نشان میدهند که چه پیوندهای عقیق زحمتکش ایران راه ام از فارس و عرب و کسرد و آذربایجانی و بلوچ بهم پیوند میدهد و چگونه آنها در برابر تهاجم امریالیستی و غلری که انقلاب را تهدید میکند، یکدل و یک زبان، همای و همقدم، بدفاع از ایران انقلابی برخاسته‌اند. بمرتهای عراق در تصب کور خود به عت مراندیشند که با تهاجم نظامی و تبلیغاتی خود، لاقول در میان همسپنان عرب ما تزلزل ایجاد خواهند کرد. و چقدر تکان دهنده بود مکن المل هوطنان عربزبان ما در خروستان که خود هست مرکزی دفاع و مقاومت شدند و چنان از اسناداران و ارتشیان مدافع انقلاب استقبال

از این کشور نباید مردم ما گرسنه نخواهند ماند. قتل با که از این موجودی داخل کشور، که بعضی در انبارها موجود است و بعضی در کارگاهها روز بروز تولید میشود، کسانی نخواهند برای خودشان سهم بیشتری بردارند و این اجناس را در خانه‌شان و یا انبارشان برای خود احتکاز کنند.

وی افزود: دنیا بر این دو توصیه بزرگ به ملت ایران می‌کند. توصیه اول این است که هر کسی قطعه قدری محتاج ضروری خود و خانواده‌اش از بازار تهیه کند و به پیشتر...

... توصیه دوم اینست که به هیچ قیمتی تکفارید دستگامهای تولیدی بخواهد دشمن مایل است احتکاز کند، عملی گرسنه بمانند دشمن مایل است کارخانه‌ها و دستگامهای تولیدی کار نکند تا آنچه کم یا بیشتر به خاطر کمبود آتوقه مجبور شود به دشمن بدهد یا بپوشد. البته او نباید از اگر از گرسنگی هم بپوشد، دشمن بدهد، بپوشد و حتما بپوشد.

در این مراسم همچنین مردم قهرمان با شماره‌های بسیار، همای دیگر اثر ندارد، تارگ صدام بزیده این جنگ ادامه دارد، هم و شور مبارزاتی خود را در مقابل با تجاوزگران بعثی نشان دادند و ثابت کردند که در نبرد با امریالیسم امریکه و مزدورانش ثابت قدم می‌مانند.

حجت الاسلام خامنه‌ای ...

تزدیک و شروع کننده نشان دادیم... ما او را دعوت نکرده بودیم، اما حالا که آمد دیگر برگشتن ندارد. ملت مسلمان عراق از اینکه یلچین حکومت خائن و فاسدی بر او سلطت است زنج می‌برد، ما خود را موظف میدانیم که به این ملت محروم و به این برادر کمک کنیم. امروز روز آن کمک است، که عراق را با نیروهای که خواهیم گفت این نیروها کدام است در این منطقه مزدوران و خائنانی را که بر کرسی حکومت عراق سوارند، آنها را در این منطقه دفن خواهیم کرد. ما این مبارز طلب دیوانه را در اینجا به سزای خود خواهیم رسانید و با دو نیرو، نیروی اول نیروی ایمان به خدا و نیروی دوم نیروی انسانی یک ملت بزرگ راستوار... آنها روی تانک حساب کردند، روی هواپیما حساب کردند، روی سرباز لباس پوشیده پادگانهای عراق حساب کردند، اما روی ملت حساب نکردند. چیزی که ما را با حکومتهای طاقتور متناهی می‌کند همینست. ملت ما چیزی دارد که صدام حسین ندارد. او ایمان و اشتراک همگانی ملت در میدان مبارزه است. وقتی امام اشاره‌ای می‌کند که من تکلیف مردم را تعیین خواهم کرده سبل تقاضا از سراسر اقلار کشورهای دین در جبهه جنگ می‌رسد... ما نیروها را به میدان خواهیم فرستاد. همه ملت آماده است. منتظریم امام اشاره‌ای بکند، همه خواهیم رفت، همه خواهیم جنگید... حجت الاسلام خامنه‌ای در قسمت دیگر سخنان خود خطاب مردم مبارز ایران بی‌امون لزم کسب آمادگی در مقابل تجاوزات نیروهای بعثی گفت: «تا وقتی امام اشاره فرمودند، آمادگی و بهیض اشاره، بسج و حرکت و ایامی و انتصالی بیروزی، وی افزود: «تلیفات امروز شبکه‌های صهیونیستی جهانی علیه ما، دروغ‌ها را می‌کنند. من همینجا و با همین وسیله به همه خبرگزاران

تشکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیگائی) ضرورت انقلاب ایران است

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
مدیر مسئول:
منوچهر بیزادی

خیا بان ۱۶ آذر شماره ۶۸

(دکتر نامه مردم)
هنوز در اختیار
نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM

No. 3/2
27 September 1980

Price	West-Germany	0.80 DM
	France	2 Fr.
	Austria	8 Sch.
	England	20 P.
	Belgium	10 Fr.
	Italy	350 L.
	U.S.A.	40 Cts
	Sweden	1.50 Skr.